

ما

زبان انگلیسی

استاد علی قیومی

۱۲ پایه

درس ۱ دوازدهم

Passive Sentences/ جملات مجهول

نعل + فاعل

جمله معلوم

چیست؟

جمله ای است که با فاعل شروع می شود و کار انجام شده در آن به فاعل جمله نسبت داده می شود.
The chef cooked the meal. سرآشپز پخت وعده غذایی را.

فعل لازم و فعل متعدی: فعل لازم بعد از خود به مفعول نیاز ندارد و بعد از متعدی مفعول می آید.

چه جوری بفهمیم لازمه یا متعدی؟

✓ اول ترجمش می کنیم، بعد ازش می پرسیم "چه چیز را؟" یا "چه کسی را؟" جواب داشت متعدی، و اگه جواب نداشت لازمه.

مثلاً: فعل "buy" به معنی خریدن: چه چیز را خریدن؟ یا چه کسی را خریدن؟ و

یا فعل "arrive" به معنی رسیدن: چه چیز را رسیدن؟ یا چه کسی را رسیدن؟

Handwritten notes: *علی آشپز است. آشپز غذا را پخت. علی آشپز است.*

جمله مجهول

چیست؟

• جمله ای است که به جای فاعل با مفعول شروع می شود و عمل انجام شده در آن به مفعول جمله نسبت داده می شود.
 وعده غذایی پخته شد توسط سرآشپز.
The meal was cooked by the chef.

(to be + p.p.)

to be: (am - is - are - was - were - be - been - being)

ing در PP. ساده گذشته فال

نحوه مجهول کردن:

قدم اول) حذف فاعل

~~Ali~~ **broke** the window yesterday.

The window **was broken**

قدم دوم) قرار دادن مفعول به جای فاعل

The window **was broken** yesterday.

قدم سوم) استفاده از PP. مناسب

قدم چهارم) ناکل جمله مجهول را در جمله "by" بگذارند به همراه فاعل یا نهادی که باید (تذکره: بعد از تبدیل به مجهول از جمله بیرون بیاید)

The window was broken **by Ali / by him** yesterday.

Handwritten notes: *فید خان (زبان) / فید خان*

یه مثال دیگه

~~She~~ **cleaned** the kitchen yesterday.

The kitchen was cleaned **by me** yesterday.

Handwritten notes: *me you him her it us you them*

Scientists **find** solutions to problems.

Solutions to problems **are found** by scientists.

Handwritten notes: *تذکره / تذکره*

فرمول های مجهول در زمان های مختلف:

مثال	فرمول مجهول و مثال	زمان
<ul style="list-style-type: none"> She makes pancakes every morning. <i>S V O</i> او درست می کند پنکیک ها هر صبح. Pancakes are made every morning. پنکیک ها درست می شوند هر صبح. 	<p style="color: red; font-weight: bold;">to be + p.p.</p> <p>am/is/are + p.p. + مفعول</p>	حال ساده
<ul style="list-style-type: none"> Alexander Fleming discovered penicillin. <i>S V O</i> الکساندر فلمینگ پنی سیلین را کشف کرد. Penicillin was discovered by Alexander Fleming. پنی سیلین کشف شد توسط الکساندر فلمینگ. 	<p>was/were + p.p. + مفعول</p>	گذشته ساده
<ul style="list-style-type: none"> She is washing the dishes now. <i>S V O</i> او دارد ظرف ها را می شوید الان. The dishes are being washed now. ظرف ها در حال شسته شدن هستند الان. 	<p style="color: red;">معلوم: فعل + am/is/are + being + p.p. + مفعول</p> <p>am/is/are + being + p.p. + مفعول</p>	حال استمراری
<ul style="list-style-type: none"> The mechanic was repairing the cars at 7. <i>S V O</i> مکانیک در حال تعمیر ماشین ها بود ساعت ۷. The cars were being repaired at 7. ماشین ها داشتند تعمیر می شدند راس ساعت ۷. 	<p style="color: red;">مجهول: فعل + was/were + being + p.p. + مفعول</p> <p>was/were + being + p.p. + مفعول</p>	گذشته استمراری
<ul style="list-style-type: none"> Doctors have made a new medicine to cure cancer. <i>S V O</i> پزشکان ساخته اند یک داروی جدیدی برای درمان سرطان. A new medicine has been made by doctors to cure cancer. یک داروی جدید ساخته شده است توسط پزشکان برای درمان سرطان. 	<p>have/has + p.p. + مفعول</p> <p>have/has + been + p.p. + مفعول</p>	Present Perfect حال کامل (ماضی نقلی)
<ul style="list-style-type: none"> Someone had stolen the car when I arrived. کسی ماشین را دزدیده بود وقتی رسیدم. The car had been stolen when I arrived. وقتی رسیدم ماشین دزدیده شده بود. 	<p>had + p.p. + مفعول</p> <p>had + been + p.p. + مفعول</p>	Past Perfect گذشته کامل (ماضی بعید)
<ul style="list-style-type: none"> They will build a new hospital in this city. <i>S V O</i> آنها خواهند ساخت یک بیمارستان جدید در این شهر. A new hospital will be built in this city. یک بیمارستان جدید ساخته خواهد شد در این شهر. 	<p>will + be + p.p. + مفعول</p> <p>am/is/are + going to + be + p.p. + مفعول</p>	آینده با will و to be going to
<ul style="list-style-type: none"> Mary is going to take her brother to school. <i>S V O</i> مری قرار است ببرد برادرش را به مدرسه. Her brother is going to be taken to school. برادرش قرار است برده شود به مدرسه. 	<p>can-could-will-would may-might-should-must have to/has to/had to</p> <p>modal + be + p.p. + مفعول</p>	فعل های مودال مثال: can

یک نکته مهم:

۱ اول باید بفهمیم جمله مجهول یا معلوم!

۲ دوم یادمون باشه که همه مجهول ها از ترکیب to be + p.p. ساخته میشن.

۳ سوم اینکه رایج ترین قید های زمان برای هر زمانی مورد های زیر...

جدول قید های زمان رایج: (یعنی در واقع اگه اینها رو دیدیم باید بریم و از فرمول مناسب بالا استفاده کنیم.)

<p>now-right now-just now at this moment حال الان - در این لحظه</p>	<p>حال استمراری ⇐</p>	<p>each every+ واحد زمانی ex. every (day, week, ...)</p>	<p>حال ساده ⇐</p>
<p>➤ She <u>is cooking</u> a dinner right now.</p>		<p>➤ She <u>cooks</u> dinner every night.</p>	
<p>ago → two years ago last+ واحد زمانی → last night in+ عدد سال سپری شده → in 2022</p>	<p>گذشته ساده ⇐</p>	<p>since -for -yet just-already-ever-never recently-so far-up to now</p>	<p>حال کامل (ماضی نقلی) ⇐</p>
<p>➤ He saw a movie <u>last night</u>. ➤ We went to the beach <u>two weeks ago</u>.</p>		<p>➤ I <u>have lived</u> here for five years. ➤ We <u>haven't met</u> each other <u>since</u> Thursday.</p>	
<p>گذشته کامل (ماضی بعید) (گذشته ساده) جمله + when/before + جمله (گذشته کامل) (گذشته کامل) جمله + after/because + جمله (گذشته ساده)</p>		<p>اینکه گذشته استمراری فوتبال مارش نزدیک</p>	<p>جمله + when/while + جمله (گذشته ساده) ⇐</p>
<p>➤ I had finished my work before I went to the movies. ➤ The thief had escaped when the police arrived.</p>		<p>➤ My brother <u>arrived</u> while we <u>were eating</u> lunch.</p>	

to be + P.P.

❖ حالا اول باید بتونیم بفهمیم جمله ای که به ما دادن جمله معلومه یا مجهول، که ۳ روش داره :

اگر اسم قبل از جای فالی نتواند کار انجام داد بلکه کار رو پیش انجام شده باشد مجهول است

⊗ Test: The hospital 30 years ago.

- 1) built 2) was building 3) was built 4) were built

build

⊗ Test: The light went out while the film

- 1) was showing 2) was being shown 3) has been shown 4) showed

show

اگر فعل به سبب این نیست یک فعل متعدی باشد ولی بعد از جای فالی مفعول نیامده باشد دریا

حرف اضافه آمده باشد مجهول است

⊗ Test: I have two parrots. They in the cage.

- 1) are kept 2) have kept 3) are keeping 4) kept

keep

اگر فعل به جای اول بیاید یا به هر چه "by" بعد از جای فالی یا آنها که آمده باشد مجهول است

⊗ Test: She by a good teacher when she went to high school.

- 1) taught 2) was teaching 3) was taught 4) had taught

teach/taught/taught

been

جمله های زیر را مجهول کنید.
to be + P.P.

My mother washes the dishes carefully every night.

The dishes are washed carefully by my mother every night.

He told us to stay home.

We were told to stay home.

We always keep the butter in the fridge.

The butter is always kept in the fridge.

Did Baird invent the first television in 1924?

Was the first television invented by Baird in 1924?

Do they keep the parrots in the cage?

Are the parrots kept by them in the cage?

Did someone steal Jack's money in the train?

Was Jack's money stolen by someone in the train?

Will he accept our invitation?

Will our invitation be accepted by him?

* نکته ی مهم: مجهول افعال دو مفعولی

بعضی فعل ها در انگلیسی دو مفعول دارند، که به یکی مفعول مستقیم و دیگری مفعول غیر مستقیم می گویند. مثلاً:

He didn't tell me the truth.

م.م م.غ.م

او به من حقیقت را ن گفت.

افعال دو مفعولی عبارتند از:

offer - give - send - sell - tell - buy - bring - call - name - say - teach - ...

پیشنهاد کردن

نامیدن

افعال دو مفعولی را به دو صورت می توان مجهول کرد.

(a) یک بار با مفعول مستقیم (همان مفعول در فارسی)

My mother gave Sina a book for his birthday.

A book was given to Sina for his birthday.

یک کتاب داده شد به سینا برای تولدش

My mother gave Sina a book for his birthday..

Sina was given a book for his birthday.

به سینا داده شد یک کتاب برای تولدش

Test: He a very good job recently.

1) offered

2) has offered

3) was offered

4) has been offered

شکل فو رب
رشته شده

been



بهترین آی داه تبدیل شود

تمرین
حل شود

۱ زبان پخته را بسند به پیل
۲ ندهی تا عده بخونید به کانال

چتنا سوال گرمی از نهایی های سال های اخیر:

1. A: What is the problem? B: The windowsby the boys. (شهریور-۹۹)

- a) are breaking b) have broken c) broke d) have been broken

شکل صحیح فعل داخل پرانتز را در جای خالی بنویسید. (دی-۹۹)

2. Persianis.....spoken.....in Iran, Tajikistan and Afghanistan. (speak) → Fact

گزینه صحیح را انتخاب کنید. (شهریور-۹۹)

3. Hafezto be as one of the most famous Persian poet of all time.

- a) knows b) is known c) knowing d) has known

to be + P.P. ✓
been X

شکل صحیح فعل داخل پرانتز را در جای خالی بنویسید. (خرداد ۱۴۰۰-انسانی)

4. The window ...was...broken.....by that boy yesterday. (break)

گزینه صحیح را انتخاب کنید.

5. Hafez -----for a special type of poetry that is called Ghazal. (ماز-۱۴۰۳)

- a. mostly remembered b. was mostly remembered c. mostly is remembered d. is mostly remembered

6. The paintings -----in many art galleries since it was made. (ماز-۱۴۰۳)

- a. has been shown b. were shown c. have been shown d. are shown

نشانی زبان
مال کامل است

شکل صحیح فعل داخل پرانتز را در جای خالی بنویسید. (ماز-۱۴۰۳)

7. Many games like soccer, basketball, and tennisare watched.....on TV every weekend. (to watch)

گزینه صحیح را انتخاب کنید. (ماز-۱۴۰۴)

8. All the words in this dictionary ----- alphabetically.

- a. can be arranged b. are arranging c. can arrange d. had arranged

9. The workers ----- the waste every night to send to the landfill.

- a. should be collected b. collected c. were collecting d. should collect

شکل صحیح افعال داخل پرانتز را در جای خالی بنویسید. (ماز-۱۴۰۴)

10. Microwave oven also ----- during a scientist's experiment on energy. (to invent)

was invented

گزینه صحیح را انتخاب کنید. (ماز-۱۴۰۴)

11. A: Has the children's hospital ----- in Tehran by Dr. Gharib? B: Yes, it has.

- a. being founded b. founded c. been founded d. founding

با توجه به تصاویر و عبارت داخل پرانتز به سوال زیر پاسخ کامل دهید. (ماز-۱۴۰۴)

find/found/found
founded/founded/founded

12. What was done by the boy yesterday?

The vase ---was broken by the boy yesterday.



(to break)

گلدان

نشانی مال کامل
have/has

13. Divan-e-Hafez into many countless languages since the 8th century (خرداد ۱۴۰۴)

- a. translates b. translated c. was translated d. has been translated

14. In big cities, the traffic rulesmust be obeyed..... by everyone. (must / obey) (خرداد ۱۴۰۴)

اطاعت کردن

15. Nezami's poems into countless languages since the last century. (خرداد ۱۴۰۳)

- a. has been translated b. were translated c. had translated d. have been translated

نشانی
مال کامل

been



تمرین طبری آینده /

اگر من طراح سوال های نهایی بودم...

(تجربه چند سال اخیر نشون داده وقتی طراح تصمیم به طرح سوال های حرفه ای میگیره، خیلی سوال ها شبیه این سوالا میاد.)

1. In 1347 this medical center by Dr.Gharib and one of his close friends.

- a) was found b) founded c) was founded d) found

راه حل → مدل
Find to be+pp
Found
پیدا کرد

2. Solutions to problems by scientists.

- a) are found b) founded c) are founded d) found

تایس تایس تایس تایس
تایس می شوند
پیدا می شوند
پیدا کرد
تایس می کند

3. Not surprisingly, Dr.Gharib as a dedicated physician.

- a) regarded b) was regarding
c) be regarded d) was regarded

انضامی تایس
مغذیل
مغذیل ندارم
از شکل صحیح فعل در جای خالی استفاده کنید.

4. Dr. Gharib ...was...known... as a distinguished university professor in 1347. (know)

مغذیل بنامه → چه کسی را؟
مغذیل بنامه
مغذیل بنامه
جمله زیر را مجهول کنید.

5. Dr. Gharib taught medicine to thousands of students.

مغذیل بنامه
مغذیل بنامه
مغذیل بنامه
Medicine was taught to thousands of students by Dr.Gharib.
Thousands of students were taught medicine by Dr.Gharib.

6. He Hafez because he learned the Holy Quran by heart.

- a) called b) was calling
c) is called d) has called

مغذیل
مغذیل
نامیدن
در مغذیل است

7. Hafez for a special type of poetry that is called Ghazal.

- a) mostly is remembered b) is mostly remembering
c) has mostly remembered d) is mostly remembered

مغذیل بنامه
مغذیل بنامه

8. The collection of Hafez's poems Divan.

- a) are called b) is called
c) have been called d) is calling

مغذیل بنامه
مغذیل بنامه
مغذیل بنامه

9. Some inventions by accident or scientists' mistakes.

- a) was created b) created c) are created d) have created

مغذیل بنامه
مغذیل بنامه
مغذیل بنامه
مغذیل بنامه

10. One of Dr. Gharib's students by most us.

- a) were inspired b) inspired c) are inspired d) was inspired

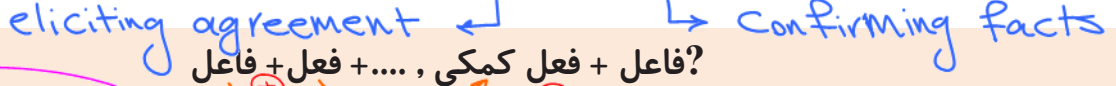
مغذیل بنامه
مغذیل بنامه
مغذیل بنامه
مغذیل بنامه
inspire



Tag Question

سوال کوتاه ← ازم سوالی

سوالاتی هستند که در پایان یک جمله (مثبت یا منفی) آمده به معنی "مگر نه؟"، "موافقید؟"، "لطف می کنید؟"، "درست می گویم؟" و معمولاً کاربرد آن "کسب اطمینان از یک مسئله" یا "جلب موافقت شنونده" است و به شکل زیر ساخته می شوند:



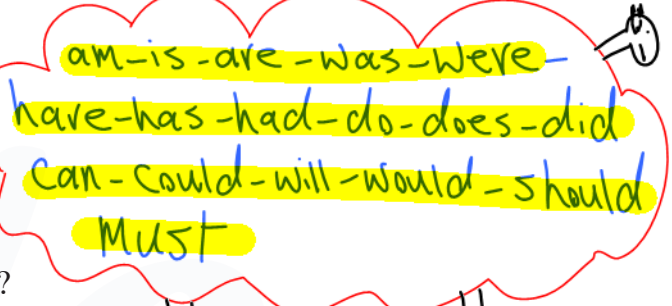
ex. It is Monday today, isn't it?

نکته ۱: جمله ی اصلی با tag خود، از نظر مثبت یا منفی بودن، در **تضاد** است. یعنی برای **جمله مثبت**، **tag منفی** و برای **جمله منفی**، **tag مثبت** به کار می بریم.

ex. He can't play chess, can he?

★ در واقع اگر در جمله فعل کمکی وجود داشته باشد از همان فعل کمکی برای ساختن سوال کوتاه استفاده میکنیم.

- Mina is happy, isn't she? *مثلاً: isn't + is not*
- George wasn't hungry, was he? *مثلاً: wasn't + is not*
- His father won't buy a new car, will he?
- They are going to Hamedan, aren't they?
- The girls were weaving a carpet, weren't they?



اما اگر فعل کمکی وجود نداشته باشد با توجه به زمان جمله از یکی از فعل های کمکی **does do** یا **did** استفاده می شود.

- He tried very hard, didn't he?
 - Tom plays piano skillfully, doesn't he?
- فعلی → I / you / he / she / it / we / you / they

نکته ۲: هیچگاه در tag از اسم استفاده نمیکنیم و همواره از **ضمیر** استفاده میکنیم یا از کلماتی نظیر **there** استفاده میکنیم.

- ex. There are many students in the class, aren't there?
- This ... → it
That ... → it
These ... → they
Those ... → they

یک تست بسیار مهم: در فعل هایی که است آن یک جبراست و فاعل سوم شخص است **puts** فعل "گذاشتن" در زبان آن گذشت است.

- Sofia put on her new boots, didn't she.....?

سوال: **have** ، **has** و **had** فعل کمکی هستند یا اصلی؟ **فرار**

- The boys have broken the window, haven't they?
 - Your sister has passed the exam, hasn't she.....?
 - She had a sandwich, didn't she.....?
- have / has / had
- PP → اصل بود / فعل بود → does - do
PP → اصل بود / فعل بود → did

سوال: **have to** ، **has to** و **had to** چگونه؟

- She has to stay home, doesn't she.....?
 - They had to read the passage again, didn't they.....?
- did does do



نکته ی ۳: وجود برخی کلمات در جملات مثبت، آن ها را تبدیل به جملات منفی می کند. بنابراین در این شرایط باید از tag مثبت استفاده کرد.

برخی از این قید ها عبارت اند از:

never (هرگز) - **seldom** (به ندرت) - **hardly** (به ندرت) - **rarely** (به ندرت) - **scarcely** (به ندرت) - **barely** (به ندرت)

no (هیچ) - **none** (هیچکدام) - **neither** (نه) - **no one** (هیچ کس) - **nothing** (هیچ چیز)

- He **rarely** comes to your house, **does** he..... ?
- Susan **never** **wore** her pink dress, **did** she..... ?
- **None of us** are students, **are** we..... ?

تذکر: کلمات **little** و **few** جمله را منفی می کنند ولی **a little** و **a few** تأثیری روی جمله نمی گذارند.

- **Few people** have known how to earn money, **have** they..... ?
- **A little milk** is ready for him to drink, **isn't** it..... ?

نکته ی ۴: کلماتی نظیر **everybody** - **everyone** - **nobody** - **no one** با فعل های مفرد تطابق خواهند داشت.

- **Nobody** wanted to study this lesson, **did** they?
- **Everyone** knows me, **don't** they?
- **Everybody** is ready to help, **aren't** they..... ?

برای جمله امری چه مثبت باشد چه منفی از **will you** استفاده میکنیم.

Close the window, will you?
Don't be late, will you?

Never call me again, will you.....?

تذکر: برای **Let's.....** از **shall we** استفاده می شود.

- **Let's** join them for the party, **shall** we?

تمرین از workbook

1. It's a lovely day, **isn't** it..... ?
2. You **haven't** done your homework, **have** you..... ?
3. There **is** a problem here, **isn't** there..... ?
4. Hamid **never** says a word, **does** he..... ?
5. Kate **forgot** to feed the chickens, **didn't** she..... ?

forget / forgot / forgotten



خواستار به 'd و 's باشد: این دو می توانند مخفف "has" یا "is" و "had" یا "would" باشند.

's	He's following us, ... isn't... he...?
	Jane's a famous teacher, ... isn't... she...?
	Tom's gone shopping, ... hasn't... he...?
'd	They'd arrive late, ... wouldn't... they?
	He'd done his best, ... hadn't... he...?

سوال کوتاه بنویسید:

- > You and I studied hard for the exam, ... didn't... we...?
- > He and she want to be with each other, ... don't... they...?

معنی کن

نکته: that در سوال کوتاه:
 سوال کوتاه را برآورد از that برآورد
 I/We
 He/She/It/You/They

- I think (that) none of us can eat the food, ... can... we...?
- It is often stated that we use only 10 per cent of our brain, ... isn't... it...?

The ticket cost five dollars, ... didn't... it...?

مهمترین فعل های سه قسمتی که هر سه قسمت آنها یک جور است عبارتند از:

cut - put - let - set - hit - shut - read - quit - hurt - cost - broadcast

سوال کوتاه در جملات شرطی و جمله های مرکب: در جمله های مرکب سوال کوتاه را بر روی جمله ای منتقل سازید

If - when - while - as - since - because - although

- ❖ You would come to the party if you had free time, ... wouldn't you...?
- ❖ If you find anything about it, you will tell us, ... won't you...?
- ❖ They had gone when you arrived, ... hadn't they...?

دوتا مورد خاص

- I'm late, ... aren't... I...?
- I'm not clever, ... am... I...?

I don't think that they will arrive on time, _____?



چنتا سوال دست گرمی از نهایی های سال های اخیر

گزینه صحیح را انتخاب کنید. (ماز-۱۴۰۳)

- There has been no rain for couples of weeks, -----?
 - a. hasn't there
 - b. has there
 - c. have they
 - d. don't they
- She ~~hasn't~~ traveled abroad in years. I think she prefers road trips, -----?
 - a. hasn't she
 - b. don't I
 - c. did she
 - d. doesn't she

شکل صحیح فعل داخل پرانتز را در جای خالی بنویسید. (ماز-۱۴۰۳)

3. The book ----- by the teacher last year, wasn't it? (to suggest)

was suggested

گزینه صحیح را انتخاب کنید. (ماز-۱۴۰۴)

4. I never have to work hard during the day, ----- I?

- a. don't you
- b. do I
- c. do you
- d. don't I

شکل صحیح فعل داخل پرانتز را در جای خالی بنویسید. (ماز-۱۴۰۴)

5. Their sister ----- a new dress at a very low price, didn't she? (to buy)

bought

با کلمات درهم ریخته زیر یک جمله معنادار بنویسید. (ماز-۱۴۰۴)

6. doesn't / the young / a / carpet / every month / she / weaves / girl / , / ? /

The young girl weaves a carpet every month, doesn't she?

گزینه صحیح را انتخاب کنید.

7. They know that you're right, but this idea will never help them, -----? (خرداد-۱۴۰۴)

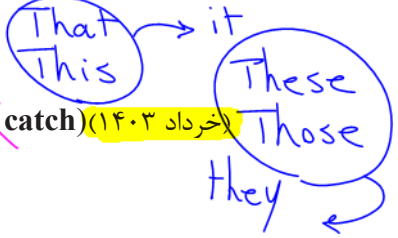
- a. won't it
- b. aren't you
- c. will it
- d. don't they

8. Their father often ----- two pieces of pizza for lunch on the weekend, doesn't he? (to have) (خرداد-۱۴۰۴)

has

1) That's another planet in the solar system, -----? (خرداد-۱۴۰۳)

- a. isn't it
- b. isn't that
- c. is it
- d. is that



9. The robber was caught ----- by the police two months ago, wasn't he? (to catch) (خرداد-۱۴۰۳)

اگر من طراح سوال های نهایی بودم...

(تجربه چند سال اخیر نشون داده وقتی طراح تصمیم به طرح سوال های حرفه ای میگیره، خیلی سوال ها شبیه این سوالا میاد.)

از شکل صحیح فعل در جای خالی استفاده کنید.

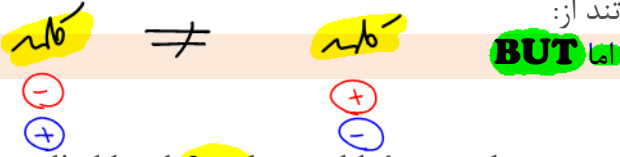
- He... is writing... an email, isn't he? (write)
- The girls were weaving a carpet, weren't they? (weave)
- They are going to Hamedan, aren't they? (go)
- His father won't buy a new car, will he? (buy)
- The boys have broken the window, haven't they? (break)
- Your sister has passed the exam, hasn't she? (pass)
- They are going to leave here, aren't they? (going to - leave)

The exam has been passed, hasn't it? (to pass)

Writing
نویسی

کلمات ربط so and, or, but

به همه اینها "حروف ربط همپایه" گفته می شوند و عبارتند از:



Contrast
از but به منظور نشان دادن تضاد استفاده می شود.

- He studied hard, **but** he couldn't pass the exam.
- The room has been painted, **but not** in the color that I asked for.
- Laptops, smart phones, and tablets were made by lots of work, **but not** all products are developed by hard work. (مثال کتاب.ص ۳۰)

استفاده از **but not** هم رایج است:

مانند
صفتی شمای زک

AND (و)

از and برای ارتباط برقرار کردن میان دو کلمه، عبارت، جمله یا حتی پیشوند ها استفاده می شود:

- Most people **work** by day **and** **sleep** by night.



اگر چند کلمه با and به هم ربط داده شوند بین دوتای آخر and قرار میدهیم و بقیه را با ویرگول به هم ربط میدهیم.

- Horses are usually **black, grey, white and brown** in color.

OR (یا)

OR کلمه ربطی است که از آن برای ارتباط برقرار کردن میان دو یا چند انتخاب یا گزینه متفاوت استفاده می شود.

- Study hard **or** you will fail.

نکته: کلمه OR به معنی در غیر اینصورت هم می باشد و در این حالت تضاد را نشان می دهد.

دگر

تذکر: وقتی دو یا چند اسم را با استفاده از OR به هم وصل میکنیم، برای اسم های مفرد از یک فعل مفرد و برای اسم های قابل شمارش جمع از یک فعل جمع استفاده می شود.

- Ali or Reza is** coming to help us. (اسم های مفرد)
- I think **Ali and Reza are** needed in this situation. (اسم های جمع)

is - was - has -
are - were - have -

نکته مهم: ساختار موازی در زبان انگلیسی

در طرف **and** و **or** باید شبیه هم باشند مثلاً اگر یکی فعل است قبل و بعد ویرگول همه فعل باشند.

- My friend took me to **a theater and a show**.
- Mary likes **to hike, swim and ride** a bicycle.
- Mary likes **hiking, swimming and riding** a bicycle.

$$x^2 - x = x(x-1)$$

(تفاوت سوال های نوصده)

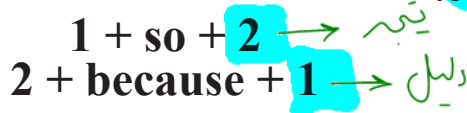
SO = therefore - thus بنابراین

از SO برای ارتباط برقرار کردن بین دو مستقل استفاده می شود به طوریکه جمله دوم نتیجه جمله اول باشد:

- He studied hard, **so** he passed the exam.

تبعی

تذکر: تفاوت SO و because



- He studied hard **so** he passed.
- He passed **because** he studied hard.

since - as
زیرا چونکه

جای خالی را با کلمه ربط مناسب "and" یا "but" پر کنید. ✓

- 1) We went to the park yesterday, and.....we had a wonderful time.
- 2) Behnam's family went to the zoo last week,.....but..... they did not enjoy it.
- 3) Susan has a pink dress,.....but..... she never wears it.
- 4) Kate saw Sofia,.....but..... she didn't speak to her.
- 5) My English class is really enjoyable,.....but..... I have a lot of homework.

جای خالی را با کلمه ربط مناسب "or" یا "so" پر کنید. ✓

- 1) My mother doesn't like fast food,.....so..... she doesn't eat any.
- 2) I go out tonight,.....or..... I take a rest.
- 3) We can eat our lunch at the restaurant,.....or..... we can have it at home.
- 4) That dictionary is expensive,.....so..... I can't buy it.
- 5) This dress is not comfortable,.....so..... she rarely wears it, ~~does she~~ ?

جمله را با کلمه مناسب به هم وصل کنید.

- 1) Joseph is very busy today, so He cannot watch TV.
- 2) My brother has a lot of books, but He never reads them.
- 3) We should do a lot of homework, but We don't have enough time.
- 4) Sepideh likes spaghetti, but Her grandmother hates spaghetti.

- 5) You can buy this coat, You can buy those shoes. → You can buy this coat or those shoes.

جمله را کامل کنید.

1. I like learning Chinese, but...it is difficult / I don't have enough time.
2. These shoes are not comfortable, so...I won't wear them → Put them on.
3. You must study well, and...pass your exams / get good scores.
4. I like swimming, but...I am afraid of water.
5. You can install a mobile dictionary, or...use google translate / buy a dictionary.

ترکیبی

نکته: برای ساختن سوال کوتاه در جمله هایی که این کلمات ربط رو دارن مثل زیر عمل کنید:

- Behnam's family went to the zoo last week, but they did not enjoy it, did they.....?
- Susan has a pink dress, but she never wears it, does she.....?
- That dictionary is expensive, so I can't buy it, can I.....?
- This dress is not comfortable, so she rarely wears it, does she.....?

چنتا سوال دست گرمی از نهایی های سال های اخیر

با استفاده از یکی از کلمات داخل پرانتز و تصاویر داده شده، جملات ناقص زیر را کامل نمایید. (ماز-۱۴۰۳)
 (کلمه ربط صحیح به همراه ادامه جمله مرکب باید به طور کامل در پاسخ نامه نوشته شوند).

1. We can go to the park, (or/and) ~~or~~--- We can watch TV.
 or watch TV.



2. He is planning a vacation, (so/but) ~~so~~--- he is saving some money.



مکالمه زیر در یک رستوران بین علی و رضا است. جملات زیر را با انتخاب یک کلمه ربط کنید. (ماز-۱۴۰۴)

Reza: There are no more chairs available, (3) ~~so~~--- we have to stand.

Ali: If you want, we can leave!

Reza: No, I prefer to wait because the place is good, (4) ~~and~~--- the food is perfect.

Ali: Do you like juice with your food, (5) ~~or~~--- you like Coke?

Reza: I like Coke, (6) ~~but~~--- I also want to have some water with my food.

گزینه صحیح را انتخاب نمایید. (ماز-۱۴۰۴)

7. There is snow in the street ----- .

- a. but it's not too cold
- b. and we can drive very fast
- c. so the children sleep less at night
- d. or it is harmful

8. The house is very expensive for me ----- .

- a. but I can't destroy it
- b. so I can't buy it
- c. or it is very big
- d. and I can clean it

9. The baby is very hungry ----- .

- a. and he cries loudly
- b. so he goes abroad
- c. but he can run very fast
- d. or he cooks food

10. The restaurant wasn't very nice ----- .

- a. and I had a very good time there
- b. or I can stay at home tonight
- c. so I rarely cook well
- d. but its food was very good

از بین کلمات ربط داخل پرانتز، کلمه مناسب را انتخاب نموده و سپس با توجه به تصویر داده شده، ادامه جمله را کامل کنید. (کلمه ربط صحیح به همراه ادامه جمله باید به طور کامل در پاسخنامه نوشته شود). (ماز-۱۴۰۴)

11. It's raining heavily, (so /or) ~~so~~--- take your umbrella.

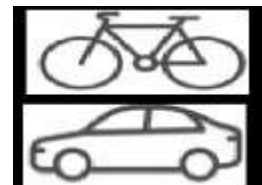
تفسیر →

جملات ناقص زیر را با کلمه های ربط (and / or / but / so) کامل کنید (یک کلمه ربط اضافی است). (خرداد-۱۴۰۴)

Ants are found everywhere in the world. They make their home in buildings, gardens, etc. Whenever they find a sweet ,lying on the floor, they stick to the sweet ~~and~~.. carry it to their home. Ants are very hardworking insects. They have two eyes and six legs.. They are usually wingless ~~but~~.... they develop wings when they reproduce. They live in groups or colonies.. ~~so~~.....they are social insects.

با توجه به تصویر و یکی از کلمه‌های ربط (or / so) یک جمله مرکب بنویسید. (خرداد-۱۴۰۴)

12. In our town, people usually ride their bicycles, ~~or~~.... drive their cars..... to work.



or they drive their cars

متن ناقص زیر را با کلمات ربط (but/and/or/so) کامل کنید. (یک کلمه ربط اضافی است.) (خرداد ۱۴۰۳)

Trees are very valuable. They take carbon dioxide from the atmosphere, (13) and... fill it with oxygen. Carbon dioxide is harmful to nature, (14) ... but... oxygen keeps it alive. In addition, they supply us with many necessary things of everyday life, (15) ... so... trees are the best friends of man.

اگر من طراح سوال های نهایی بودم...

از شکل صحیح فعل در جای خالی استفاده کنید.

- They teach us how to love, how to care, how to forgive and how to accept. (to forgive)
- They've gained experience that is worth respecting and ... learning.. from. (to learn)
- Most of our activities like cooking a dinner, heating a house, lighting a street, keeping.... a hospital open, running a factory all require energy. (to keep)
- Garbage should be collected and ... taken.... to a landfill by workers. (to take)

to be pp.

استاد علی
۴۰۵

ترجمه و بررسی سطر به سطر درس ۱ دوازدهم

SPOTLIGHT ON VOCABULARY:

لغات کلیدی‌ای که قبل از خواندن این بخش باید بلد باشید:

sense	حس کردن	boost	تقویت کردن	improve	بهبتر کردن
appreciation	قدردانی	strength	قدرت	grandchildren	نوه‌ها
lower	پایین آوردن	elderly	مسن - پیر	function	نقش، وظیفه - عملکرد - کارکردن

Sense Of Appreciation حس قدردانی

appreciate (v) قدردانی کردن

Interesting Facts:

حقایق جالب:

- Helping others **lowers blood pressure.** کمک به دیگران باعث کاهش فشار خون می‌شود.
- Kindness **boosts energy and strength in elderly people.** مهربانی باعث افزایش انرژی و قدرت در افراد مسن می‌شود.
- Teenagers who help others are more **successful in life.** نوجوانانی که به دیگران کمک می‌کنند در زندگی موفق‌ترند.
- Listening to the **advice of older people improves our lives.** گوش دادن به توصیه‌های افراد مسن زندگی ما را بهبود می‌بخشد.
- Taking care of** grandchildren increases brain **function** and memory. مراقبت از نوه‌ها باعث افزایش عملکرد مغز و حافظه می‌شود.

SPOTLIGHT ON VOCABULARY:

لغات کلیدی‌ای که قبل از خواندن این بخش باید بلد باشید:

caught a flu	آنفولانزا گرفتن	medicine	رشته پزشکی	cure	معالجه، معالجه کردن
terrible	وحشتناک، خیلی بد	homeland	وطن	textbook	کتاب درسی
abroad	خارج از کشور	generous	سخاوتمند	disease	بیماری

WORD BANK

physician پزشک, regard لحاظ کردن, dedicated متعهد، دلسوز

spare no pains از هیچ تلاشی دریغ کردن, distinguished مشهور، برجسته

not surprisingly جای تعجب نیست, found تاسیس کردن

find / found / founded تاسیس کردن

dedicate (v) انحصاری دادن

distinguish (v) تمایز قائل شدن / آفرین داشتن

کفتگو CONVERSATION

Sara has been in the Children's **Medical Center** for a week. She has **caught a terrible flu**. The doctor told her to stay there to get better. There is a photograph of an old man on the wall. **While** the nurse is **taking her temperature**, they start talking.

سارا بوده است در **مرکز طبی کودکان** به مدت یک هفته. او **آنفلوآنزای وحشتناکی گرفته است**. دکتر به او گفت که آنجا بماند تا بهتر شود. عکس پیرمردی روی دیوار است. **هنگامی که پرستار دارد دمای بدنش را اندازه می گیرد**، آنها شروع به صحبت کردن می کنند.

Sara: Excuse me, who is that man in the picture?

سارا: ببخشید، آن مرد توی عکس کیست؟

Nurse: Oh, don't you know him? Have you **ever heard** of Dr. Mohammad Gharib?

پرستار: عجب، او را نمی شناسی؟ آیا تا به حال نام دکتر محمد قریب را شنیده ای؟

Sara: I **guess** I have only seen his name in my English book, but I'm not sure about it.

سارا: حدس می زنم فقط نام او را در کتاب انگلیسی ام دیده ام، اما در مورد آن مطمئن نیستم.

Nurse: Dr. Gharib was **a famous physician**.

فیزیکیان physician

پرستار: دکتر قریب یک پزشک معروف بود.

Sara: Oh,... can you tell me a little about his life?

سارا: خوب... می توانی کمی از زندگیش برایم بگویی؟

Nurse: Dr. Gharib **was born** in Tehran in 1288. After **receiving his diploma**, he **went abroad** to study **medicine**. In 1316 he became a physician and then came back to his **hometown**. In 1347 this center **was founded** by **Dr. Gharib** and one of his **close friends**.

پرستار: دکتر قریب متولد شد در تهران در سال ۱۲۸۸. پس از دریافت دیپلم خود، او به خارج از کشور رفت برای تحصیل پزشکی. در سال ۱۳۱۶ او پزشک شد و سپس به وطنش برگشت. در سال ۱۳۴۷ این مرکز تاسیس شد توسط دکتر قریب و یکی از دوستان نزدیکش.

Sara: Really? I didn't know that.

Dr. Gharib became a doctor
When he was 28 T F

$1316 - 1288 = 28$ ✓

سارا: واقعاً؟ من این (موضوع) را نمی دانستم.

Nurse: Dr. Gharib was also **a generous man**. **He spared no pains to cure sick children**. He was very friendly and helpful to poor families. **Not surprisingly**, he **was regarded** as a **dedicated physician**.

پرستار: دکتر قریب همچنین آدم سخاوتمندی بود. او از هیچ تلاشی برای درمان کودکان بیمار دریغ نکرد. او بسیار دوستانه و یاری رسان بود نسبت به خانواده های فقیر. جای تعجب نیست، که او را به عنوان یک پزشک متعهد در نظر می گرفتند.

Sara: **It's a pity!** I didn't know such a great man.

سارا: چه حیف! من نمی شناختم چنین مرد بزرگی را.

B. Read and Practice.

burst into tears زدن زیر گریه: to cry suddenly

burst گریه کردن
burst into ناگهان گریه کردن
tears اشک
بارگین باره گین
tear tore torn

Aida **burst into tears** when she saw her **score**.
آیدا زد زیر گریه وقتی نمره اش را دید.

repeatedly بارها و بارها: many times

I've told Mohsen **repeatedly** to talk **politely** to his teachers.
به محسن گفته ام بارها و بارها تا حرف بزند مودبانه با معلم هایش.

forgive بخشیدن: to stop being **angry with** someone

rudely ≠

Mom **forgave** me for breaking the **vase**.
مادر بخشید من را برای شکستن گلدان.

calmly با خونسردی: in a **quiet** way

به شکلی آرام.

He always speaks slowly and **calmly**.
او همیشه حرف میزند آرام و با خونسردی.

diary دفترچه خاطرات: a book in which you **record** your **thoughts** or **feelings** or what has happened every day
کتابی که در آن شما ثبت می کنید افکار یا احساسات یا آنچه اتفاق افتاده است را هر روز.

diary
دفترچه خاطرات

I have **kept a diary** for twelve years.
من به مدت دوازده سال خاطره نوشته ام.

keep a diary → فایده نوشتن

SPOTLIGHT ON VOCABULARY:

لغات کلیدی ای که قبل از خواندن این بخش باید بلد باشید:

quietly	بی سر و صدا	✓ pause	مکث کردن	lovely	دوست داشتنی
reply to	پاسخ دادن	aloud	با صدای بلند	care for	مراقبت کردن
the same	یکسان، همانند	lovingly	عاشقانه	once	زمانی، یه وقتی

READING COMPREHENSION درک مطلب

Respect Your Parents به والدین خود احترام بگذارید

On a spring morning, an old woman was sitting on the **sofa** in her house. Her young son was reading a newspaper. Suddenly a **pigeon** sat on the window.

در یک صبح بهاری، پیرزنی نشسته بود روی مبل در خانه اش. پسر جوانش داشت روزنامه می خواند. ناگهان کبوتری نشست روی پنجره.

The mother asked her son **quietly**, "What is this?" The son **replied**: "It is a pigeon". After a few minutes, she asked her son for the second time, "What is this?" The son said, "Mom, I have **just told** you, It is a pigeon, a pigeon". After a little while, the old mother asked her son for the third time, "What is this?" This time the son **shouted at** his mother, "Why do you keep asking me the same question **again and again**? Are you hard of hearing?"

همین الان

مادر به آرامی از پسرش پرسید: "این چیست؟" پسر پاسخ داد: "این یک کبوتر است". بعد از چند دقیقه از پسرش برای دومین بار پرسید، "این چیست؟" پسر گفت: "مامان، همین الان به تو گفته ام، این یک کبوتر، یک کبوتر". بعد از مدتی مادر پیر پرسید از پسرش برای بار سوم، "این چیست؟" این بار پسر فریاد زد سر مادرش: "چرا همین سوال را از من بارها و بارها می پرسی؟ کم شنوا هستی؟"

A little later, the mother went to her room and came back with an old diary. She said, "My **dear** son, I bought this diary when you were born". Then, she opened a page and kindly asked her son to read that page. The son looked at the page, **paused** and started reading it **aloud**:

کمی بعد، مادر به اتاقش رفت و با یک دفتر خاطرات قدیمی برگشت. او گفت، "پسر عزیزم، من خریدم این دفترچه خاطرات را زمانی که تو متولد شدی." سپس صفحه ای را باز کرد و با مهربانی از پسرش خواست که آن صفحه را بخواند. پسر به صفحه نگاه کرد، مکث کرد و شروع به خواندن آن (صفحه) با صدای بلند *reply + ed → replied to* ^{پندل}

Today my little son was sitting on my lap, when a pigeon sat on the window. My son asked me what it was 15 times, and I replied to him all 15 times that it was a pigeon. I hugged him lovingly each time when he asked me the same question again and again. I did not feel angry at all. I was actually feeling happy for my lovely child.

امروز پسر کوچولوی من نشسته بود روی دامانم، وقتی کبوتری نشست روی پنجره. پسرم پرسید از من ۱۵ بار که آن چه بود و من پاسخ دادم به او تمام ۱۵ بار که کبوتر بود. من بغلش کردم عاشقانه هر بار که او می پرسید از من همین سوال را دوباره و دوباره. احساس عصبانیت نکردم اصلاً. من در واقع احساس شادی می کردم برای کودک دوست داشتنی ام.

Suddenly the son burst into tears, hugged his old mother and said repeatedly, "Mom, mom, forgive me; please forgive me." The old woman hugged her son, kissed him and said calmly, "We must care for those who once cared for us. We all know how parents care for their children for every little thing. Children must love them, respect them, and care for them".

ناگهان پسر به گریه افتاد، در آغوش گرفت مادر پیرش را و می گفت مکرراً، "مامان، مامان، مرا ببخش؛ لطفاً من را ببخش." پیرزن در آغوش گرفت پسرش را، بوسید او را و گفت به آرامی "ما باید مراقب کنیم از کسانی که زمانی از ما مراقبت می کردند." ما همه می دانیم که والدین چگونه مراقبت می کردند از فرزندانشان برای هر چیز کوچکی. بچه ها باید عشق بورزند به آنها، احترام بگذارند به آنها و مراقبت کنید از آنها."

SPOTLIGHT ON VOCABULARY:

لغات کلیدی ای که قبل از خواندن این بخش باید بلد باشید:

generation	تولید، نسل	whereby	که بوسیله ای آن	provided	فراهم شده	starter	آغازگر
comprehension	درک	meaningful	معنی دار	step	گام، قدم	along with	در امتداد
strategy	راهبرد	rather than	به جای	common	رایج	possible	ممکن

Reading Strategy

Question generation

Question generation is a reading comprehension strategy whereby readers ask and answer meaningful questions about the important points or main ideas of a text. Using this strategy, students ask and answer their own questions rather than only answering questions provided by the book or the teacher.

Follow these steps:

1. Read the text.
2. Find the important points or main ideas.
3. Make a question for each point or idea.
4. Answer the questions.

Common question starters along with their possible answers are as follows:

سوال پرسشی رایج

سوال در زیر



Question Starter		Possible Answer	
Who	چه کسی	Person	شخص
What	چه چیزی	Object, Description or Process	شیء، توصیف یا فرآیند
Where	کجا	Location	مکان
When	چه زمانی	Time	زمان
Why	چرا	Reason	دلیل
How	چگونه	Quantity, Process or Description	کیفیت فرآیند، توصیف

quality

Collocate **Vocabulary Development** *توسعه*

A **collocation** is two or more words that often **go together**. Collocations tell us which words can come before or after other words. These **combinations** just **sound 'right'** to **native speakers**, who use them all the time. **On the other hand**, other combinations may be **unnatural** and just **sound 'wrong'**.

- **fast food** but **quick meal**. It would not be normal to say ~~quick food~~ or ~~fast meal~~.
- **strong wind** but **heavy rain**. It would not be normal to say ~~heavy wind~~ or ~~strong rain~~.
- **make a mistake** but **do exercise**. It would not be normal to say ~~do a mistake~~ or ~~make exercise~~.

Or in the Reading, you can see the following collocations:

- **read a newspaper** (NOT ~~study a newspaper~~)
- sit **on** the sofa (NOT ~~sit at the sofa~~)
- **hard of hearing** (NOT ~~difficult of hearing~~)

یک هم نشین / هم آیند / دو یا چند کلمه هستند که اغلب با هم می آیند. همانند ها به ما می گویند کدام کلمات می توانند قبل یا بعد از کلمات دیگر بیایند. این ترکیب ها فقط "درست" به نظر می رسد برای گویشگران بومی که استفاده می کنند از آنها همیشه. از طرف دیگر، سایر ترکیب ها ممکن است غیر عادی باشند و یا "اشتباه" به نظر برسند.

- **fast food** اما **quick meal** گفتن **quick food** یا **fast meal** عادی نیست.
- **strong wind** اما **heavy rain** گفتن **heavy wind** یا **strong rain** عادی نیست.
- **make a mistake** اما **do exercise** گفتن **do a mistake** یا **make exercise** عادی نیست.

یا در درک مطلب شما میتوانید هم نشین های زیر را ببینید:

- **read a newspaper** (نه ~~study a newspaper~~)
- **sit on the sofa** (نه ~~sit at the sofa~~)
- **hard of hearing** (نه ~~difficult of hearing~~)

SPOTLIGHT ON VOCABULARY:

لغات کلیدی ای که قبل از خواندن این بخش باید بلد باشید:

childhood	دوران کودکی	by heart	از حفظ	collection	مجموعه	inspiration	الهام بخش
religious	مذهبی	emotions	احساسات	countless	بیشمار	author	نویسنده
education	تحصیل	ethics	اصول اخلاقی	including	از جمله	poetry	شعر

تاملات در زبان سوال نداشت

1403 خرداد

(فصل یک سوال نوی در)

Before

A. Read the following text.

Hafez is known to be as one of the most famous Persian poets of all time. He was born sometime between the years 1310 and 1337 A.D. in Shiraz. In his childhood, he received religious education. He is called Hafez because he learned the Holy Quran by heart. Hafez is mostly remembered for a special type of poetry that is called Ghazal. Emotions and ethics are used in Ghazals a lot. The collection of his poems is called Divan. It has been translated into countless languages including German, English and French. Hafez is known to be the inspiration for many poets and authors around the world.

حافظ شناخته می شود به عنوان یکی از مشهورترین شاعران ایرانی همه دوران ها. او متولد شد بین سالهای ۱۳۱۰ تا ۱۳۳۷ بعد از میلاد مسیح در شیراز. در دوران کودکی اش، او آموزش مذهبی دید. او نامیده می شود حافظ به این دلیل که او از حفظ کرد قرآن کریم را. حافظ بیشتر به یاد آورده می شود به خاطر نوع خاصی از شعر که نامیده می شود غزل. احساسات و اصول اخلاقی در غزل ها بسیار به کار رفته است. مجموعه اشعارش نامیده می شود دیوان. آن (دیوان) ترجمه شده است به زبان های بی شماری از جمله آلمانی، انگلیسی و فرانسوی. حافظ شناخته می شود به عنوان الهام بخش بسیاری از شاعران و نویسندگان در سراسر جهان.

SPOTLIGHT ON VOCABULARY:

لغات کلیدی ای که قبل از خواندن این بخش باید بلد باشید:

product	محصول	by accident	به طور تصادفی	accidentally	به طور تصادفی
develop	توسعه دادن	for instance	برای مثال	experiment	آزمایش
invention	اختراع	quite	کاملاً	ordinary	معمولی

E. Read the following paragraph and choose the best verb forms.

Smart = clever

Many products (are developed / developed) each year. Light bulb, camera, airplane, and telephone (were invented / invented) by scientists and inventors. Laptops, smart phones, and tablets (were made / made) by lots of work. But not all products (are developed / developed) by hard work. Some inventions (were created / are created) by accident or scientists' mistakes. Penicillin, for instance, (was discovered / were discovered) quite accidentally when Alexander Fleming (was working / was worked) on bacteria. Microwave oven also (was invented / invented) during a scientist's experiment on energy. More interestingly, some tools and technologies (are not made / do not make) by scientists at all. Some like dishwashers and computer games (were made / made) by ordinary people like workers, housewives and school students.

بسیاری از محصولات (توسعه داده می شوند/توسعه دادند) هر ساله. لامپ، دوربین، هواپیما و تلفن (اختراع شدند/ اختراع کردند) توسط دانشمندان و مخترعان. لپ تاپ ها، تلفن های هوشمند و تبلت ها (ساخته شدند/ساختند) توسط کار فراوان. اما همه محصولات (توسعه داده نمی شوند/توسعه ندادند) با کار سخت. برخی از اختراع ها (خلق شدند / خلق می شوند) به صورت تصادفی یا توسط اشتباهات دانشمندان. به عنوان مثال، پنی سیلین (کشف شد/کشف شدند) به طور کاملاً تصادفی زمانی که الکساندر فلمینگ (در حال کار بود / کار کرده می شد) روی باکتری ها. اجاق میکروویو نیز (اختراع شد/اختراع کرد) در طول آزمایش یک دانشمند روی انرژی. جالبتر اینکه بعضی ابزار و فن آوری ها به هیچ وجه توسط دانشمندان (ساخته نمی شوند/نمی سازند). برخی از آنها مانند ماشین ظرفشویی و بازی های کامپیوتری (ساخته شدند / ساختند) توسط مردم عادی مانند کارگران، زنان خانه دار و دانش آموزان مدرسه.

SPOTLIGHT ON VOCABULARY:

لغات کلیدی‌ای که قبل از خواندن این بخش باید بلد باشید:

yet	با این وجود	sense of identity	حس هویت	principles	اصول
heritage	میراث	responsibility	مسئولیت	willing	مشتاق
regarding	با توجه به	role	نقش	guideline	راهنما
be proud of	مغرور از	morals	اخلاقیات	hopefully	امیدوارانه
sense of belonging	حس تعلق	values	ارزش‌ها	blessing	رحمت، عافیت

Now read the rest.

pride → غرور

Yet another important thing is our heritage and culture. We have much to learn from our parents regarding our heritage, to be proud of our past. This heritage and history brings a sense of belonging. Most importantly, it brings us a sense of identity of our past and the responsibility to protect it for our future generations. What I can add at the end is the role of our parents' morals, values, and principles in our lives. Our elders have either learned, created or have been brought up with a set of morals, values and principles in their lives. Our elders want the best for us and they are willing to tell us what set of rules and guidelines have made them successful, and hopefully, peaceful.

با این وجود چیز مهم دیگر میراث و فرهنگ ماست. ما چیزهای زیادی برای یادگیری از پدر و مادرمان در رابطه با میراثمان داریم، تا به گذشته خود افتخار کنیم. این میراث و تاریخ، حس تعلق را می‌آورد. مهمتر از همه، آن می‌آورد حس هویت از گذشته مان و مسئولیت محافظت از آن برای نسل‌های آینده مان را. آنچه در پایان می‌توانم اضافه کنم، نقش اخلاق، ارزش‌ها و اصول والدینمان در زندگی مان است. بزرگان ما یا آموخته‌اند، خلق کرده‌اند یا با مجموعه‌ای از اخلاق، ارزش‌ها و اصول در زندگی هایشان تربیت شده‌اند. بزرگان ما بهترین‌ها را برایمان می‌خواهند و آنها مشتاق هستند تا به ما بگویند که چه مجموعه‌ای از قوانین و دستورالعمل‌ها آنها را موفق، و به شکل امیدبخشی صلح طلب ساخته است.

SPOTLIGHT ON VOCABULARY:

لغات کلیدی‌ای که قبل از خواندن این بخش باید بلد باشید:

grow	شدن	share with	شریک شدن	no matter	مهم نیست
hence	از این به بعد	experience	تجربه	unconditionally	بی قید و شرط
carry values	ارزش‌ها را به دوش کشیدن	failure	شکست	feel honored	مفتخر بودن
as well	بعلاوه	deserve	حق داشتن	duty	وظیفه

WORK BOOK

READING COMPREHENSION درک مطلب

It is very important for us to respect our elders. It is also important to note that elders were not born elders; they were kids like us and now have grown old. A few years hence we will also grow older. If today we respect them, our present and future generations will carry those values and will learn to respect us as well when we grow old.

→ شدن → become ✓

بسیار مهم است برای ما احترام گذاشتن به بزرگترها. همچنین مهم است که توجه داشته باشید که بزرگترها بزرگ تر به دنیا نیامده اند؛ آنها هم مثل ما بچه بوده اند و الان پیر شده اند. چند سال ^{از} این به بعد ما نیز پیرتر خواهیم شد. اگر امروز ما احترام بگذاریم به آنها، نسل حاضر و آینده ما این ارزش ها به دوش خواهند کشید و نیز یاد خواهند گرفت تا از ما محافظت کنند وقتی پیر می شویم.

Elders have a lot to **share with** us: their life **experiences**, their **failures**, their **successes** and many more. **Thus** we need to care for them because they **deserve** to be cared for. Respect and care for elders start with our parents ^{پایر} **as** they are our first teachers in our life.

بزرگترها چیزهای زیادی دارند برای ما تا ما به اشتراک بگذارند: تجربه های زندگی شان را، شکست هایشان را، موفقیت هایشان را و بسیاری دیگر. بدین صورت ما باید از آنها مراقبت کنیم زیرا آنها شایسته این هستند که مراقبت بشوند. احترام و مراقبت از بزرگترها از والدینمان شروع می شود چون آنها اولین معلم های ما در زندگی هایمان هستند.

No matter what we do in our lives, who we are, and where we live, we must love them **as** they **love us unconditionally**. They **feel honored** when we **appreciate** their love and respect them. So it is our **duty** to help them when they need us because they are not young enough to **handle** things **on** their own like before.

مهم نیست در زندگی خود چه کاری انجام می دهیم، چه کسی هستیم و کجا زندگی می کنیم، ما باید آنها را دوست داشته باشیم زیرا آنها ما را بدون قید و شرط دوست دارند. آنها احساس افتخار می کنند وقتی قدر محبت آنها را می دانیم و به آنها احترام می گذاریم. پس وظیفه ماست که به آنها کمک کنیم زمانی که آنها به ما نیاز دارند، زیرا آنها به اندازه کافی جوان نیستند تا بتوانند مثل قبل از عهده کارها به تنهایی برآیند.

گزینه صحیح را انتخاب کنید.

1. A: Did you watch the game on TV last night? (خرداد- ۱۴۰۴)
 B: Sure, it was amazing. Despite playing badly this time, the team to win the league.
 a. deserved b. received c. created d. discovered
2. "All people might experience, but the first step to success is to accept it", my father once said. (خرداد- ۱۴۰۴)
 a. radiation b. failure c. vibration d. heritage

1) We must care for those who once cared for us. We all know how parents cared for their children for every little thing. Children must love them, respect them, and care for them. (دی ۱۴۰۲)

- a) Parents love and respect those who once cared for us.
 b) Parents know how children care for us.
 c) We have to take care of parents because they have done it for us so earlier.
 d) **All** parents care for their children as **all** children once cared for them.

Elders have a lot to share with us such as their life experiences, their failures, their successes and many more. Thus, we need to care for them because they deserve to be cared for. Respect and care for elders start with our parents as they are our first teachers in our life. (خرداد ۱۴۰۲)

- 2) We have to care for our elders because -----.
- a. their failures are less important b. they respect us as their teachers
 c. they share their life experience with us d. their successes are not important



3) If today we respect our elders, our present and future generations will carry those values and will learn to respect us as well when we grow old. (شهریور ۱۴۰۲)

- a. Children carry more values than elders.
- b. Elders respect us more than children.
- c. Children will carry elders when they grow old.
- d. When we respect elders, our children learn to respect us.

SPOTLIGHT ON VOCABULARY:

لغات کلیدی‌ای که قبل از خواندن این بخش باید بلد باشید:

elicit	جلب کردن	confirm	تایید کردن	serious	شدید، جدی
agreement	موافقت	be well	سلامت بودن	consider	در نظر گرفتن
signal	علامت دادن	be wrong with	مشکل داشتن	depend on	بستگی داشتن
uncertainty	شک و تردید	health condition	وضعیت سلامتی	team sport	ورزش گروهی

regard

≠ individual sport

LISTENING & SPEAKING

Speaking Strategy

جلب موافقت

Eliciting Agreement and Signaling Uncertainty

علامت در شک و تردید

A. We use 'tag questions' for two reasons: eliciting agreement (confirming facts) and signaling uncertainty.

More examples:

- Sam has not come to work. I've heard he's sick, isn't he?
- Oh, yes. He was not well yesterday.
- What's wrong with him?
- The doctors are checking his health condition.
- It isn't something serious, is it?
- I hope not.

دلیل

تایید کردن حقایق

Conversation 1

Behzad: How's everything, Amin? You seem to be busy these days, don't you?

بهزاد: اوضاع چطوریه امین؟ به نظر میرسه این روزا سرت شلوغه، اینطور نیست؟

Amin: I'm OK Behzad. I'm working on a new project. I'm really tired.

امین: خوبم بهزاد. دارم روی یک پروژه جدید کار می‌کنم. خیلی خسته‌ام.

Behzad: But your health is really important, isn't it?

بهزاد: اما سلامتی هم واقعاً مهمه، مگه نه؟

Amin: I know. But what about work, money, responsibility, ...? We need to consider them all, don't we?

امین: میدونم. اما کار، پول، مسولیت و ... چی؟ باید همه آنها را هم در نظر بگیریم، مگه نه؟

Behzad: Yes, but health is on top of everything.

بهزاد: بله، ولی سلامتی از همه آنها بالاتر (مهم تر) است.

1. Why is Amin busy these days?

چرا امین این روزها سرش شلوغ است؟

✓ Because he's working on a new project.

2. What does Behzad think about health?

نظر بهزاد درباره ی سلامتی چیست؟

✓ He thinks that health is on top of everything.



Conversation 2

Roya: We are going to the gym on Friday. Would you come with us Mina?

رویا: ما روز جمعه به باشگاه خواهیم رفت. تمایل داری با ما بیایی مینا؟

Mina: I don't think so.

مینا: فکر نکنم.

Roya: You don't like sports, do you?

وابسته بودن - منتهی بودن
بستگی داشتن

رویا: تو از ورزش خوشت نمی آید، می آید؟

Mina: Actually, I don't know. I think it depends on the type of sport.

مینا: حقیقتاً، نمی دانم. فکر کنم به نوع ورزش بستگی دارد.

Roya: You prefer team sports, don't you?

رویا: تو ورزش های گروهی را ترجیح می دهی، مگه نه؟

Mina: Well, ~~it~~ seems to be OK. But honestly, I prefer less active sports like chess.

تفریح - چس

مینا: خوب، به نظرم خوبه. اما راستش را بگویم، من ورزش های کم جنب و جوش ترمثل شطرنج را ترجیح می دهم.

Roya: Oh, I see.

رویا: بله. درک میکنم.

1. Where are they going?

آنها دارند کجا می روند؟

✓ They are going to the gym.

2. Why does Mina prefer chess?

چرا مینا شطرنج را ترجیح می دهد؟

✓ Because she prefers less active sports.

SPOTLIGHT ON VOCABULARY:

لغات کلیدی ای که قبل از خواندن این بخش باید بلد باشید:

accept	پذیرفتن	ups and downs	فراز و نشیب	gain	بدست آوردن	the least	کمترین
knowledge	دانش	face	مواجه شدن	worth	ارزش داشتن	go through	از پیش رو گذراندن
wisdom	عقل و آگاهی	definitely	حتماً، قطعاً	hide	مخفی کردن	insight	بینش

absolutely - certainly

What you learned

Dr. Asadi is answering this important question: "why is it important to care for our elders?" I think first of all we need to remember that they are our mothers and fathers, and our first teachers. They teach us how to love, how to care, how to forgive, and how to accept. Second, elders have more knowledge and wisdom than any one of us. They've come so far and they've learned so much, we have a responsibility to learn from that wisdom. But the most important thing is their experience. We may or may not know of all the ups and downs they've faced in life but they've definitely gained experience that is worth respecting and learning from. Our elders may hide much pain from us because they don't want us to feel the pain, the least we can do is appreciate them for all that they've gone through and learn from their insight into situations.

دکتر اسدی پاسخ می دهد به این سوال مهم: " چرا مهم است که از بزرگترهایمان مراقبت کنیم؟ " فکر می کنم که اول از همه ما باید به یاد داشته باشیم که آنها پدرها و مادرها، و اولین معلم هایمان هستند. آنها به ما می آموزند چگونه عشق بورزیم، چگونه مراقبت کنیم، چگونه ببخشیم و چگونه بپذیریم. دوم اینکه بزرگترها دانش و آگاهی بیشتری نسبت به هر کدام از ما دارند. آنها تا اینجای راه را آمده اند و خیلی چیزها آموخته اند، ما وظیفه داریم تا از آن آگاهی بیاموزیم. اما مهمترین چیز تجربه آنهاست. ما ممکن است از تمام فراز و نشیب های که در زندگی با آن مواجه شده اند آگاه باشیم یا نباشیم اما قطعاً تجربه ای کسب کرده اند که ارزش احترام گذاشتن و یاد گرفتن از آن را دارد. بزرگترهایمان ممکن است رنج زیادی را از ما پنهان کنند زیرا نمی خواهند ما آن درد و رنج را حس کنیم، حداقل کاری که میتوانیم انجام دهیم این است که آنها را بخاطر آنچه از پیش رو گذرانده اند تحسین کنیم و از بینش آنها در شرایط مختلف بیاموزیم.

شماره
بسیار
دشوار



1. Why is knowing about the experience of our parents important? چرا دانستن درباره ی تجربه والدینمان مهم است؟
 ✓ **Because it is worth respecting and learning from.**
2. Why are our parents our first teachers? چرا والدینمان اولین معلم هایمان هستند؟
 ✓ **Because they teach us how to love, how to care, how to forgive, and how to accept.**

درک مطلب کوتاه: گزینه درست را انتخاب کنید.

1. You may or may not know of all the ups and downs our parents have faced in life but they have gained experience that is worth respecting and learning from. (خرداد ۱۴۰۳)

- a. Life has been easy for our parents, so we should respect them.
- b. Our parents do not prefer to share their experiences with us.
- c. We know everything about our parents' experience.
- d. There are valuable things to learn from our parents.

ادبی موزنی ←

متن هر قسمت را بخوانید و با توجه به مفهوم، بهترین گزینه را انتخاب کنید. (ماز-۱۴۰۳)

2. And of Allah's Signs of Power is the creation of the heavens and the earth and also the variation of the languages and the color of you people; verily, in all these are Signs for men of knowledge.

- a. Knowledge is unrelated to understanding Allah's Signs.
- b. Allah's Signs are only visible in the heavens.
- c. The colors of people are irrelevant to human identity.
- d. those who have knowledge will find signs of Allah in both creation and diversity.

نقطه →

3. Yet another important thing is our heritage and culture. We have much to learn from our parents regarding our heritage, to be proud of our past. This heritage and history brings a sense of belonging.

- a. Heritage plays no role in shaping our identity and who we become.
- b. Having a sense of belonging is only important to young people.
- c. People do not need to feel a sense of belonging to be happy.
- d. Knowing our history helps us create a stronger connection with our identity.

سوال های شنیداری از آزمون های نهایی گذشته

دانش آموزان عزیز، به گفتگوی بین سارا و دوستش گوش دهید. سپس گزینه صحیح را انتخاب نمایید. (خرداد-۱۴۰۴)

- ✓ 1. What is the topic of the dialogue?
 - a. Being lost in the city
 - ✓ b. Acts of kindness to strangers
 - c. Ways to make friends
- ✓ 2. Why is kindness to strangers important?
 - a. It helps people learn about a new culture.
 - ✓ b. It makes the strangers feel depressed.
 - ✓ c. It can make someone happy and feel less alone.
- ✓ 3. A small act of kindness can
 - a. create a positive chain
 - b. make someone famous
 - c. solve someone's problems completely → کاملاً
4. When doing a small act of kindness to people, we must
 - a. know them personally
 - ✓ b. think about their needs
 - c. understand what they are experiencing

۲ آبان ۱۴۰۴
 تمرین: تمام شنیداری های کتاب
 در درس ۱ گوش داده شود.
 رانلود ← از کانال من





دانش آموزان عزیز، به فایل صوتی به دقت گوش دهید و سپس برای جمله صحیح (True) و برای جمله غلط (False) را انتخاب کنید. (ماز-۱۴۰۳)

- 5) Dr. Gharib stayed in his hometown after receiving his diploma. a. True b. False
- 6) The Children's Medical Center was founded by Dr. Gharib alone. a. True b. False
- 7) The nurse shared a lot of details about Dr. Gharib's life. a. True b. False

دانش آموزان عزیز، در این بخش به فایل صوتی با دقت گوش دهید و سپس گزینه صحیح را انتخاب نمایید. (ماز-۱۴۰۳)

- 8) Mark thinks that the conversation he had with the elderly man was -----.
a. boring b. enjoyable c. confusing
- 9) The old man was ----- when Mark saw him.
a. walking b. sitting on a bench c. reading a book

دانش آموزان عزیز، در این بخش به فایل صوتی با دقت گوش دهید و سپس جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید. (ماز-۱۴۰۳)

Ali: Hey Samir, have you heard of Hafez?
 Samir: Yes, I have! He was a famous poet, right?
 Ali: Exactly! He lived in Iran a long time ago. His poetry is still loved today.
 Samir: What makes his poems so special?
 Ali: His poems are about love, nature, and life. They often have deep meanings.
 Samir: I love how he uses beautiful words. They really touch the heart.
 Ali: Yes! People say his poetry can make you feel many (10) emotions.
 Samir: Do you have a favorite poem of his?
 Ali: I really like the one about the beauty of love. It's so wonderful!
 Samir: I should read more of his work. Do you think he wrote about friendship too?
 Ali: Definitely! He (11) valued friendship and connection with others.
 Samir: That's great! I want to learn more about his life and ideas.
 Ali: Me too! Hafez has so much (12) wisdom to share with the world.

این مدل
 تاریخ ۱۴۰۳
 بنامه

 ع.ا ✓

دانش آموزان عزیز، به متن زیر با دقت گوش دهید و جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید. (خرداد - ۱۴۰۳)

Dr. Asadi is answering this important question. "Why is it important to care for our elders?"
 I (13) think..... first of all we need to remember that they are our mothers and fathers, and our first teachers. They teach us how to love, how to care, how to forgive and how to (14) accept.....
 Second, elders have more (15) knowledge and wisdom than any one of us. They've (16) come..... so far and they've learned so much, we have a responsibility to learn from that wisdom.

۱۹، ۷۵

دانش آموزان عزیز، در این بخش به مکالمه بین رویا و مینا گوش دهید، سپس جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید. (دی-۱۴۰۱)

Roya: We are going to the (17) gym on Friday. Will you come with us, Mina?
 Mina: I don't think so.
 Roya: You don't like sports, do you?
 Mina: Actually, I don't know. I think it (18) depends on the type of sport.
 Roya: You prefer (19) team sports more, don't you?
 Mina: Well, it seems to be OK. But honestly, I prefer less (20) active sports like chess.
 Roya: Oh, I see.

tim
ع

دانش آموزان عزیز، در این بخش به یک متن درباره‌ی احترام به سالمند گوش دهید، سپس جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید. (خرداد-۱۴۰۱)

Do you know why it is important to care for our elders? Because they are our mothers and fathers, and our first teachers. They teach us how to love, how to care, and how to (21) forgive.....others. Elders have more (22) knowledge and wisdom than any one of us. They've come so far and they've learned so much, that's why we should learn from that wisdom. But the most important thing is their experience. We may or may not know of all the ups and downs they've (23) faced..... in life but they have a lot of experience that is worth (24) respecting..... and learning from. Our elders may hide much pain from us because they don't want us to (25) feel..... the pain, the least we can do is to (26) appreciate..... them for all that they've gone through and learn from their experience.




این سفره حل شود برای ۹ آبان

دانش آموزان عزیز، در این بخش به مکالمه بین خانم گزارشگر و ورزشکار گوش دهید، سپس گزینه صحیح را انتخاب نمایید. (شهریور ۱۴۰۱)

27. He likes to play.....
 a. football b. basketball c. badminton ✓
28. That sport is in his country.
 a. popular ✓ b. special c. wonderful
29. He plays that sport every
 a. week b. weekend ✓ c. Wednesday
30. He prefers watching football
 a. offline b. online c. offline and online ✓

تمرین لغت:

با توجه به تصاویر داده شده، جملات زیر را بخوانید و جمله مناسب برای هر تصویر را انتخاب کنید. (یک جمله اضافی است). (ماز-۱۴۰۳)

		
1 b	2 c	3 a

- a) Many people enjoy watching pigeons as they walk around.
 b) They hugged each other when they met at the station.
 c) My little brother sits on my uncle's lap all the time.
 d) I sat on the sofa throughout the long film.

برای هر کلمه از ستون A یک تعریف از ستون B پیدا کنید. (یک تعریف در ستون B اضافی است). (ماز-۱۴۰۳)

A	B
4. The younger generation smokes less than their parents did. b	a. to stop being angry with someone
5. We really appreciate all the help you gave us last weekend d	b. all the people of about the same age within a society.
6. I'd never forgive myself if anything happened to the kids. a	c. to cry suddenly → burst into tears
	d. to be grateful for

گزینه صحیح را انتخاب نمایید. (ماز-۱۴۰۳)

7. It is important to ----- your temperature if you feel hot and tired, so you know if you need to see a doctor.
 a. give b. make c. take ✓ d. get
8. Teenagers who help others are more ----- in life.
 a. success b. successful ✓ c. successfully d. unsuccessfully
9. Mr. Pezeshkiyan said he would ----- himself to protecting the rights of the sick and the homeless.
 a. burst b. respect c. spare d. dedicate ✓

جاهای خالی را با کلمات داده شده کامل کنید. (یک کلمه اضافی است). (ماز-۱۴۰۳)

- (burst / blessing / distinguished / by heart)
10. It was a blessing that no one was killed in the accident.
11. I learned my favorite song by heart so I can sing it anytime I want.
12. The little girl burst into tears when she lost her favorite toy at the park.

تست لغت درسی یک Multiple Choice Test

- Friends tell me that these days it is cheaper to buy a new than to repair my old one.
a. village b. page c. pause d. sofa
- When we were in France, the hotel staff no pains to ensure that our stay was as enjoyable as possible.
a. regarded b. founded c. lowered d. spared
- Mike finished school with great grades this semester, so his parents are very.....of him.
a. lucky b. generous c. proud d. angry
- In some countries, it's considered for woman with families to want to work outside the home.
a. loving b. dedicated c. careful d. unnatural
- Parents and teachers plan and decorate children's rooms even before they arrive.
a. sadly b. lovingly c. orally d. rudely
- All that we children can do is to the mistakes of our parents; after all, no human being is perfect.
a. respect b. forgive c. suppose d. exchange
- I was warned not to work so hard.
a. repeatedly b. poorly c. peacefully d. successfully
- She got the best in her painting test.
a. society b. still c. score d. scientist
- We all know how parents for their children for every little thing.
a. generated b. cared c. spared d. donated
- A new medicine has been made by doctors to cure.....
a. cancer. b. forgive c. succeed d. strengthen
- The old man has fifteen
a. parent b. grandchild c. grandchildren d. grandparent
- I had the that he was frightened.
a. memory b. strength c. sense d. kindness
- Dr.Gharib was known as a university professor.
a. distinguished b. interesting c. disability d. amazing
- I would be most if you would send me the book immediately.
a. hopeful b. dedicated c. grateful d. responsible
- It's a long time that stamp has been my hobby.
a. celebration b. competition c. instruction d. collection
- Hafez is a known that has a distinguished role in our language.
a. poet b. physician c. author d. teacher
- Today my little son was sitting on my ,when a pigeon sat on the window.
a. lap b. generation c. hug d. collection

درک مطلب Reading Comprehension

Reading 1

متن زیر را بخوانید و به سوالات داده شده در هر قسمت پاسخ دهید. (ماز-۱۴۰۳)

Teenagers are a special group of people who go through many changes. During this time, they are figuring out who they are and what they want in life. They often face challenges like peer pressure, school stress, and family expectations. Reading about teenagers in books can help us understand their feelings and actions better. Books that focus on teenage experiences allow us to see the world through their eyes. Adults need to listen to teenagers and respect their opinions. When teenagers feel understood, they are more likely to open up and share their thoughts. This connection can lead to better communication between teenagers and adults. By reading, we can learn how to support and guide young people as they navigate this important stage of their lives.

True/ False

- Teenagers do not go through any changes during their development. a. True b. False
- Reading about teenagers can help adults understand their feelings and actions. a. True b. False

Choose the best option

- The above passage can provide answers to all the following questions except -----
 - What challenges do teenagers face?
 - Why is it important for adults to listen to teenagers?
 - How can adults support young people?
 - What is the favorite social media app for teenagers?
- The underlined word "navigate" in the last sentence means to -----
 - appreciate
 - handle
 - dedicate
 - distinguish.

Answer the following questions.

- How can reading about teenagers help improve communication between teenagers and adults?
- Why is it important for adults to listen to teenagers?

Reading 2

متن زیر را بخوانید و به سوالات داده شده هر قسمت پاسخ دهید. (دی-۱۴۰۱)

Children are taught to respect elders by their parents at very young age. Throughout school and university, they are reminded of them while their personalities develop. But still, we often forget to respect our elders. Respecting elders should come from within. Respecting elders come under good habits and manners. Everyone welcomes a well-behaved person. As we all know, history repeats itself. If we will respect our elders today, we will get respect when we grow old.

There are many ways to show respect to elders. For example, they feel happy and honored when we include them in the decision making of the family. They are more experienced than us and they also have walked the same path before us. So, we should always ask for their advice.

Another way is listening to them and following their customs, which they have lived up to. We also repeatedly visit them and invite them to our house, too. We should often sit and eat with them. All this will help us to recognize and appreciate our elders. Always remember that people are always judged by their actions and each word or action has a reaction. So, if you want to succeed and be happy in life, start respecting elders by being polite. Finally, I would like to say, our elders are really worthy and we should respect them.

Choose the best answer

- The word "repeatedly" in the second line of paragraph 3 means -----
 - many ways
 - many times
 - many customs
 - many actions
- What does "them" in the first line of paragraph 3 refer to?
 - manners
 - habits
 - elders
 - families

Answer the following questions.

- When do elders feel honored?
- Why should we ask elders for their advice? Because
- According to the passage, what does term "history repeats itself" mean?

Reading 5

متن زیر را بخوانید و به سوالات داده شده هر قسمت پاسخ دهید. (خرداد ۱۴۰۲)

Donating is a great way to help others by giving something to someone who needs it more than us. It could be clothes, food, toys, or even our time. People donate clothes and other items to some stores, and others can buy them at less price. The money from these sales often goes to help people in need. Another place to donate is a place that collects food for people who don't have enough to eat. By donating food, we can help someone have enough to eat. Sometimes, we can give money. Some organizations use the money to build schools, provide medical help, or even protect the environment. We can also donate our time by helping or using our skills to help those who need it. Whether reading to children at a library or cleaning up a park, our help can bring joy and make our community. Donating is a generous act. It teaches us to think of others and be kind. So, let's remember the power of donating and keep giving what we can to make the world a better place.

❖ True / False

23. Some people in need donate clothes to stores. a) True b) False
 24. People learn to think of others and be kind through donating. a) True b) False

❖ Choose the best answer.

25. Which of the following is **true** about donating?
 a) People donate to learn skills. b) Donating food is more important than money.
 c) Donating takes different shapes. d) People should eat enough food to donate others.
26. According to the passage, donating our time is
 a) using skills to help those who need it b) using money to build schools
 c) giving something to someone on time d) providing medical help

❖ Answer the following questions.

27. What does donating mean according to the passage?
 28. What can some organizations do with the money which people donate?

فهرست لغات مهم درس یک دوازدهم

abroad خارج از کشور	confirm تایید کردن	quietly به آرامی / بی سر و صدا
accident تصادف	contrast تضاد / مقایسه	quantity کمیت / مقدار
accidentally بطور تصادفی	countless بی شمار	rather than به جای
active معلوم / فعال	cruel ظالم	read a newspaper خواندن روزنامه
A.D. بعد از میلاد مسیح	culture فرهنگ	receive دریافت کردن
addition به علاوه / علاوه بر این	cure درمان کردن	record ثبت کردن / رکورد
advice نصیحت	dedicated متعهد / فداکار / دلسوز	regard ملاحظه کردن / احترام گذاشتن
after a while بعد از مدتی	dedication تعهد / فداکاری	regretful پشیمان / متاسف
appreciate تحسین کردن	description توصیف	religious دینی / مذهبی
appreciation قدردانی / تحسین	deserve سزاوار بودن / شایستگی داشتن	remember for به یاد آوردن بخاطر
as به عنوان	develop توسعه و پرورش دادن	repeatedly به طور مکرر / به طور تکراری
a set of یک مجموعه	diary دفترچه خاطرات	surprisingly متعجبانه
babysitting نگهداری از کودکان		tablet تابلت / قرص

bacteria باکتری ها	diploma گواهی نامه / دیپلم	tag question سوال کوتاه
behavior رفتار	discover کشف کردن	take care of مراقبت کردن از
blessing برکت/ نعمت / عافیت	disease بیماری	take temperature اندازه گرفتن درجه حرارت
boost بالا بردن / زیاد کردن / تقویت کردن	dish washer ماشین ظرفشویی	technology تکنولوژی
(to be) born متولد شدن	distinguish تشخیص دادن	teenager نوجوان
burst into tears به یکباره گریه کردن	doer انجام دهنده	text book کتاب درسی
busy پر مشغله / شلوغ	do homework تکلیف انجام دادن	think about فکر کردن در مورد
but اما	do exercise تمرین کردن / ورزش کردن	thoughts افکار
butter کره	donation اهدا	tools ابزار
by the way به هر حال	elder بزرگتر	translate ترجمه کردن
calmly با آرامش	elderly people افراد سالخورده	TV series سریال ، فیلم (تلویزیونی)
cancer بیماری سرطان	eliciting agreement جلب موافقت	uncertainty عدم اطمینان
care for اهمیت دادن به	emotions احساسات	university professor پروفسور یا استاد دانشگاه
catch a flu بیماری آنفولانزا گرفتن	ethics اصول اخلاقی حرفه ای	unreal غیر واقعی
choice انتخاب	experience تجربه / تجربه کردن	values ارزش ها
close friend دوست صمیمی	experiment تجربه	variation تغییر / تنوع
collection مجموعه	fact حقیقت	vase ظرف / گلدان
collocation هم نشینی، هم آبی	famous معروف / مشهور	weave بافتن
	feel well حس خوب داشتن	weave a carpet بافتن فرش
combine ترکیب کردن / یکی کردن	flu آنفولانزا	What's wrong with...? مشکل فلان چیز چیست؟
combination ترکیب	forgive بخشیدن	whereby به وسیله آن
comma ویرگول	for instance برای مثال	worker کارگر
compound sentence جمله مرکب	function عملکرد / نقش	interestingly بطور جالب
confirm تایید کردن	get better بهتر شدن	kindness مهربانی
countless بی شمار	gazelle آهو	knowledge دانش
generous بخشنده	generate ساختن / تولید کردن	lap قسمت فوقانی ران پا
go abroad به خارج از کشور رفتن	generation نسل / تولید	laptop لپ تاپ
go through طی کردن	medical center مرکز پزشکی	learn by heart حفظ کردن (to)
go together با یکدیگر آمدن / با یکدیگر استفاده شدن	medicine دارو	light bulb لامپ روشنایی
grandchildren نوه ها	memory حافظه / خاطره	lovely دوست داشتنی
grateful سپاسگزار	microwave oven اجاق مایکروویو	lovingly عاشقانه
guideline راهنما	mistake اشتباه	make a mistake اشتباه کردن
handle اداره کردن / از عهده برآمدن	moral اخلاقی	medical پزشکی



hard of hearing کم شنوا	willing متمایل ، مشتاق	reply پاسخ دادن
hate متنفر بودن	note یادداشت برداری/ توجه کردن	respect احترام گذاشتن
hear of somebody درمورد کسی شنیدن	not surprisingly جای تعجب ندارد	responsibility مسولیت
hence یعنی / بنابراین / از این رو	omelet املت	result نتیجه
heritage ارثیه / میراث	ordinary (people) (مردم) معمولی	robber سارق / دزد
heavens آسمان/ بهشت	parrot طوطی	role نقش / وظیفه
heavy rain باران شدید یا سنگین	passive مجهول	score نمره / امتیاز
hometown سرزمین	pass the exam در امتحان قبول شدن	sense احساس / حس
honor افتخار	pause توقف کردن / متوقف شدن	sense of belonging حس تعلق
hopefully امیدوارانه	peaceful صلح آمیز / با آرامش	sense of identity احساس هویت
hospital بیمارستان	penicillin پنی سیلین (نام نوعی دارو)	share سهیم شدن / شریک شدن/ سهم
housewife زن خانه دار	physician پزشک	shout (at sb) سر کسی فریاد زدن
hug بغل کردن / در آغوش گرفتن	pigeon کبوتر	show نشان دادن
identity هویت	poet شاعر	signaling uncertainty نشان دادن تردید
I hope not امیدوارم اینطور نباشد	poetry شعر	similar یکسان / مشابه
improve بهتر شدن / بهبود بخشیدن	polite مودب	skim تیترا خوانی کردن
including از جمله / شامل	power قدرت	so بنابراین
inspiration الهام بخش	prefer ترجیح دادن	society جامعه
install نصب کردن	principle اصل / قاعده	sofa مبل راحتی
invent اختراع کردن	process رویه / فرآیند	solution راه حل
invention اختراع	product محصول	some time مدت زمانی
inventor مخترع	project پروژه / طرح	spare دروغ کردن
It's a pity باعث تاسف است	provide مهیا کردن / آماده کردن	street خیابان
strong wind باد شدید	provided by آماده یا تهیه شده توسط	strength قدرت / توانایی
suddenly بطور ناگهانی	It is worth ارزش داشتن	
generous بخشنده	yet هنوز، با این وجود	

whether — or —

either — or —

neither — nor —

both — and —

not only — but also —

چه این چه اون

یا این یا اون

نه این نه اون

هم این هم اون

نه تنها این بلکه اون

حروف ربط در جمله ای

درس ۲ دوازدهم

Relative Pronouns

ضمایر موصولی

کلماتی هستند که: (۱) ... بجای اسم می آیند (۲) ... در جمله را به فعل وصل می کنند.

این کلمات عبارتند از: **who-whom-which-that-whose-when-where-why**

who (کسی که): ضمیر موصولی که به انسان در نقش فاعل اشاره می کند.

فعل + **who** + اسم (انسان)

ex. **The woman** who lives next door works in a bank.

who(m) (کسی را که): ضمیر موصولی است که به انسان در نقش مفعول اشاره می کند.

فعل + فاعل + **who(m)** + اسم (انسان)

ex. She is **the girl** whom I helped yesterday.

توجه: به جای ضمیر موصولی **who(m)** از **who** نیز می توان استفاده کرد اگر **whom** در گزینه ها نباشد.

which (چیزی که / چیزی را که): ضمیر موصولی است که به غیر انسان اشاره می کند. (چه فاعلی چه مفعولی)

ex. Did you see **the letter** which came today?

ex. This is **the cake** which Mary made.

that: ضمیر موصولی است که از آن به جای **who**, **who(m)**, **which** می توان استفاده کرد.

ex. **The musician** who/that wrote this song is French.

به جدول زیر دقت کنید:

جمله های اولیه	پس از ادغام شدن	پس از استفاده از that
<p>The man plays golf.</p> <p>آن مرد گلف بازی می کند.</p> <p>He lives at No. 10.</p> <p>او (آن مرد) در پلاک ۱۰ زندگی می کند.</p>	<p>1. The man who plays golf lives at No. 10.</p> <p>2. The man who lives at No. 10 plays golf.</p>	<p>The man that plays golf lives at No. 10.</p> <p>who فاعل پیرونه...</p>
<p>The woman is coming to dinner.</p> <p>آن خانم دارد برای شام می آید.</p> <p>You met her yesterday.</p> <p>تو دیروز ملاقاتش کردی.</p>	<p>The woman who(m) you met yesterday is coming to dinner.</p>	<p>The woman that you met yesterday is coming to dinner.</p> <p>whom مفعول پیرونه...</p>
<p>The cat lives near us.</p> <p>آن گربه کنار ما زندگی می کند.</p> <p>It was drinking milk.</p> <p>آن (گربه) داشت شیر می نوشید.</p>	<p>1. The cat which lives near us was drinking milk.</p> <p>2. The cat which was drinking milk lives near us.</p>	<p>The cat that lives near us was drinking milk.</p> <p>which مفعول پیرونه...</p>
<p>I found the keys.</p> <p>من کلید ها را پیدا کردم.</p> <p>I lost the keys yesterday.</p> <p>من کلید ها را گم کردم دیروز.</p>	<p>I found the keys which I lost yesterday.</p>	<p>I found the keys that I lost yesterday.</p>



نکته: هرگاه فعل داخل جمله موصولی دارای یک حرف اضافه باشد می توانیم حرف اضافه را با جایگزینیت موصولی **who(m) whom which** استفاده کنیم. **نکته:** **that** و **whom - which** حرف اضافه **in which = where** جایگزین **that** می باشد.

با جایگزینیت موصولی **that** می توانیم **whom** یا **which** را حذف کنیم.

ex. The girl **who(m) you were talking about** is not friendly.

ex. The girl **about whom** you were talking is not friendly.

ex. This is the desk **which I keep my books in.**

ex. This is the desk **in which** I keep my books.

whose: ضمیر موصولی است که مالکیت را نشان می دهد.

ex. He is the musician **whose** albums have sold millions.

راه حل سریع: **اسم اول + whose + اسم دوم** → به تشریحی که بتوان مالکیت اسم دوم را به اسم اول بست دراز.

when, why, where

ex. Summer is **the season** **when** I'm the happiest.

ex. This is **the house** **where** my son was born. → **in which**

ex. Do you know **the reason** **why** the market is closed today?

دو تست زیر را مقایسه کنید

1. **Divan** ... into countless languages including German, English and French.

a) ~~that has translated~~ c) **has been translated**

b) ~~that were translated~~ d) **which has been translated**

2. **Hafez** ... to be as one of the most famous Persian poets of all time **was born in Shiraz.**

a) ~~who knows~~ c) ~~is known~~

b) ~~who is known~~ d) ~~knows~~

نکته: **to be + P.P** (نیل دوم)

تمرین workbook

A. Combine the following sentences. Use an appropriate relative pronouns (who, whom and which)

1. I saw the man. The man lives next door.
 I saw the man **who** lives next door.

2. The mechanic had an accident. He is very skillful.
 The mechanic **who** is very skillful had an accident.
 The mechanic **who** had an accident is very skillful.

3. We bought some books. Our teacher suggested them.
 We bought some books **which** our teacher suggested.

4. The students talked to the teacher. John met him before.
 The students talked to the teacher **whom** John met before.

5. She watched the DVD. Her father bought it.
 She watched the DVD **which** her father bought.



C. Complete the following sentences.

- 1- A cheetah is an animal that can run fast/ runs fast/ is a wild animal.
 2- Japanese are the people who are really hardworking.

چتنا سوال دست گرمی از نهای های سال های اخیر:

1. The train he catches early in the morning is not very crowded. (خرداد-۹۸)
 a. whom b. which c. who d. whose

2. famous / lives / the woman / professor / next door / is / who / a. (خرداد-۹۸)

The woman who lives next door is a famous professor.

3. The woman my sister met in the hospital is a nurse. (شهریور-۹۸)
 a. where b. what c. which d. whom

4. very fast / the dog / is / can / which / runs / brown. (شهریور-۹۸)

The dog which is brown can run very fast.

5. The book you want isn't available now. (دی-۹۸)
 a. whose b. who c. which d. whom

6. watching / bought / her father / is / the DVD / has / she / that. (دی-۹۸)

She is watching the DVD that her father has bought.

7. Mina and her classmates bought some student books their teacher suggested. (خرداد ۱۴۰۴)
 a. which b. who c. whom d. what

ترین
ع. آبان

8. Vahid met / whom / the patient / before / to the doctor / talked / . (خرداد ۱۴۰۴)

The patient whom Vahid met talked to the doctor before.

نقل + تا + whom

The patient talked to the doctor whom Vahid met before. (ماز-۱۴۰۳)

9. These are the machines produce electricity for the whole town.
 a. which b. that c. who d. which they

با کلمات درهم ریخته زیر یک جمله معنادار بنویسید. (ماز-۱۴۰۳)

10. likes / found / Reza / the diary / his sisters / which / .

Reza likes the diary which his sisters found.

11. We appreciate those our cultural values to our next generations. (خرداد ۱۴۰۳)
 a. that carries b. who carry c. who they carry d. whom they carry

جمله زیر را با استفاده از ضمیر موصولی (who, whom, which) بازنویسی کنید. (پاسخ را به صورت جمله کامل در پاسخبرگ بنویسید.)

(خرداد ۱۴۰۳)

- The dictionary has many explanations. The dictionary was used by young writers.

12. The dictionary which was used by young writers has many explanations.

The dictionary which has many explanations was used by young writers.
 اگر من طراح سوال های نهای بودم...

(تجربه چند سال اخیر نشون داده وقتی طراح تصمیم به طرح سوال های حرفه ای میگیره، خیلی سوال ها شبیه این سوالا میاد.)

1. Hafez is mostly remembered for a special type of poetry Ghazal.

- a) which has called c) which is calling
 b) who is called d) that is called

which + to be + PP.

مبدل

2. There are example sentences from poetry.

- a) which were taken c) which is taken
 b) which took d) who is taken

take from to be + P.P.



درس های ۳ یازدهم و ۲ دوازدهم

یادآوری:

Conditional Sentences

جملات شرطی

جملات شرطی جملاتی هستند که انجام کاری را مشروط به انجام کار دیگری می کنند .
مانند " اگر درس بخوانی ، قبول می شوی " . بطوریکه در این مثال ملاحظه می شود قبول شدن مشروط به درس خواندن می باشد .

هر جمله شرطی از دو قسمت تشکیل می شود . ۱- جمله ی شرط ۲- جواب شرط

جمله ی شرطی بخشی از جمله است که همراه **if** بکار میرود و مطلبی به طور مشروط در آن عنوان می شود .

جواب شرط بخشی از جمله ی شرطی است که در پاسخ جمله ی شرطی می آید .

انواع جملات شرطی

جملات شرطی به سه دسته تقسیم می شوند :

جملات شرطی نوع اول (آینده ی ممکن) / جملات شرطی نوع دوم (حال غیر ممکن) / جملات شرطی نوع سوم (گذشته ی محال)

جملات شرطی نوع اول (آینده ی ممکن)

در این دسته از جملات شرطی که به زمان حال و آینده اشاره دارند ، احتمال انجام و یا انجام نشدن کار به یک اندازه ی مساوی است .
در این نوع از جملات شرطی **جمله شرطی با زمان حال ساده** و **جواب شرط با زمان آینده ساده** ساخته می شود.

(مصدر بدون to + will/can/may/must/should/going to) زمان آینده ی ساده , زمان حال ساده + If

If you **study hard**, you **will pass** the exams.

I'll phone you if I **have time**.

If my friends **come**, I **will become** happy.

You'll hurt yourself if you **jump** into the river.

If Reza **goes to Rey**, he **will visit** the bazaar.

Maryam **will get** a prize if she answers the question correctly.

منفی و سوالی جمله شرطی:

- If you **don't study hard**, you **will not pass** the exams.
- **What will** happen if you **study hard**?
- If Reza **doesn't goes** to Rey, he **won't visit** the bazaar.
- **Where will** Reza **go** if he **goes** to Rey?
- **Will you phone** me if you **have time**?
- **What will** Maryam **get** if she answers the question correctly.

نکته: در شرطی نوع اول در قسمت جواب شرط از جمله امری هم می توان استفاده کرد.

ex. If you're the last person to leave the room, **turn off** the TV.

ex. If you **want** to get what you want, **work hard** and **never give up**.



دو تست خیلی خیلی مهم

6. If the old man to hospital sooner, he would be alive now.

- a) took b) had taken c) would take d) were taken

7. If you took the car to the garage, it until now.

- a) will be repaired b) could repair
c) repaired d) would be repaired

شرطی نوع صفر: ✓

Unless کلمه: ✓

B. Complete the following conditional sentences. (type II).

جاهای خالی را با شکل صحیح فعل پر کنید. (تمرین work book) ☆

1. I know you do not go to bed early these days. If you (go) to bed earlier, you (not be) tired.

2. I do not have a smart phone. If I (have) one, I (use) an online dictionary.

3. He likes to learn French but cannot spend time practicing it. If he (have) more time, he (learn) French.

4. We want to help you but we do not have enough information. We (help) you if we (know) how.

5. I do not have a good job and cannot earn enough money. I (earn) a lot of money if I (get) a good job.

C. Complete the following sentences.

1- If it rained,

2- If you knew Chinese very well,



چتنا سوال دست گرمی از نهایی های سال های اخیر:

مکالمه زیر را بخوانید و شکل صحیح افعال داخل پرانتز را در جاهای خالی بنویسید. (خرداد ۹۸)

Ali: Hi, Amir. How are you?

Amir: Hi, Ali. Just fine

Ali: It ...1.....rather cold today, doesn't it? (to seem)

Amir: Yes. I ...2..... to go swimming before I left home. (to decide)

Ali: It's a pity! If it were fine, We ...3..... swimming today. (to go)

Amir: by the way, let's go to a restaurant and eat something.

Ali: OK. I know a restaurant in which a variety of sea foods ...4..... (to serve)

Amir: Umm! That's a great idea.

5. If we found two hundred dollars, we it to the police station. (to give) (شهریور-۹۸)

6. What you do if you were my father? (دی-۹۸)

- a. would b. will c. may d. had

7. A: Can she get a good mark now? B: No, but she could get a good score if she more.

- a) have studied b) studied c) studies d) would study

(خرداد ۹۹- انسانی)

8. They would travel all over the world if they rich. (be) (خرداد ۹۹- انسانی)

9. **A:** I have a good job but I can't make enough money. (خرداد ۱۴۰۴)

B: I more money if I you.

- a. saved / was b. saved / were c. would save / were d. saved / would be

10. What would you do if you lost in a foreign country? (to get) (خرداد ۱۴۰۴)

مکالمه زیر را با استفاده از تصویر و کلمه داده شده، کامل کنید. (خرداد-۱۴۰۴)

Sina: What has your boss given you for your hard work recently?

Behzad: We(11)..... three days off.

Sina: What would you do if you were free for two weeks?

Behzad: If we were free for two weeks,(12).....



to travel

گزینه صحیح را انتخاب کنید. (ماز-۱۴۰۳)

13. If she -----you, she ----- less time online on weekends.

- a. am/ would spend b. were/ would spend c. was/ will spend d. were / spend

شکل صحیح افعال داخل پرانتز را در جای خالی بنویسید. (ماز-۱۴۰۳)

14. I do not have a smart phone. If I ----- (to have) one, I ----- (to use) an online dictionary.

با توجه به تصاویر و عبارات داخل پرانتز به سوال زیر پاسخ کامل دهید. (ماز-۱۴۰۳)

15. What would the man do if he didn't walk carefully? (to fall down)



16. What happen if you too much food? (خرداد ۱۴۰۳)

- a. will / ate b. would / ate c. will / were eating d. would/are eating

با توجه به کلمات داخل پرانتز، جمله ناقص را به صورت کامل در پاسخبرگ بنویسید. (خرداد ۱۴۰۳)

17. He likes to learn French, but he cannot spend time practicing it.

18. If he(to have) more time, he (to practice) French.

ترجمه و بررسی سطر به سطر درس ۲ دوازدهم

SPOTLIGHT ON VOCABULARY:

لغات کلیدی‌ای که قبل از خواندن این بخش باید بلد باشید:

look up	جستجو در فهرست مرتب	magnify	بزرگنمایی کردن	design	طراحی کردن
compile	گردآوری کردن	suitable	مناسب	monolingual	تک زبانه
magnifying glass	ذره بین	wonder	با شگفتی از خود پرسیدن	bilingual	دو زبانه

mono - → یک
bi - → دو
tri - → سه
Multi - → چند

→ exaggerate

ترجمه کتاب درسی
مجموعه کتاب‌ها

look for
look like
look after

look at
look up

پیدایش کن Look It Up

Interesting Facts:

حقایق جالب:

- The first Persian dictionary was compiled around 1000 years ago.
- اولین فرهنگ لغت فارسی تدوین (گردآوری) شد حدود ۱۰۰۰ سال پیش.
- The largest dictionary in the world took 134 years to complete (from 1864 to 1998).
- بزرگترین فرهنگ لغت در جهان ۱۳۴ سال طول کشید تا کامل شود. (از ۱۸۶۴ تا ۱۹۹۸).
- Around 4,000 new words are added to the English dictionary every year.
- حدود ۴۰۰۰ کلمه جدید اضافه می‌شوند به فرهنگ لغت انگلیسی هر سال.
- The size of the smallest dictionary in the world is about 27×18 mm which needs to be read with a magnifying glass.
- اندازه کوچکترین دیکشنری در جهان حدود ۲۷×۱۸ میلی متر است که باید خوانده بشود با ذره بین.

1. Read it as: Twenty-seven by eighteen millimeters

Magnify = exaggerate
بزرگنمایی کردن

درک مطلب کوتاه: گزینه درست را انتخاب کنید.

1. The size of the smallest dictionary in the world is about 27×18 mm which needs to be read with a magnifying glass. (خرداد ۱۴۰۳)

- a. Some dictionaries can be magnified to the size of the world.
- b. The size of all small dictionaries in the world is about 27×18 mm.
- c. Without a magnifying glass, the world smallest dictionary cannot be read.
- d. A magnifying glass with 27×18 mm size can only help us to read dictionaries.

only - just
all - no - no one
nobody - the best...
always - never.

CONVERSATION گفتگو

WORD BANK

recommend کردن توصیه کردن, suppose تصور کردن, elementary ابتدایی, intermediate متوسط, advanced پیشرفته, app نرم افزار کاربردی, PC کامپیوتر شخصی, smart phone تلفن هوشمند

recommendation
advise - suggest

to be supposed - بایست - باید

application
نرم افزار کاربردی

Personal Computer

smart = clever - genius - intelligent - brilliant



Majid is going to **choose** a **suitable** dictionary for his English class. He is talking to his English teacher **during the break**.

مجید قرار است **انتخاب کند** یک فرهنگ لغت مناسب برای کلاس انگلیسی خود. او دارد صحبت می کند با معلم انگلیسی خود در زمان استراحت.

Majid: Excuse me Mr. Iranmehr, I **wonder** if you could help me.

مجید: ببخشید آقای ایرانمهر، در عجبم (نمی دانم) که آیا شما می توانید به من کمک کنید (یا نه؟).

Mr. Iranmehr: Sure. How can I help you?

آقای ایرانمهر: حتماً. چگونه می توانم به شما کمک کنم؟

Majid: I'd like some information about a good English dictionary.

مجید: من اطلاعاتی در مورد یک فرهنگ لغت انگلیسی خوب می خواهم.

Mr. Iranmehr: Oh, well. **Have you ever used a dictionary?** *Has a dictionary ever been used*

آقای ایرانمهر: آها، حُب. آیا تا به حال از فرهنگ لغت استفاده کرده ای؟ *by you?*

Majid: Actually, I haven't. But I've heard that using a good dictionary can really help me learn English better.

مجید: حقیقتاً، استفاده نکرده ام. اما من شنیده ام که با استفاده از یک فرهنگ لغت خوب می تواند واقعاً به من کمک کند انگلیسی را بهتر یاد بگیرم.

Mr. Iranmehr: That's right. First, I **recommend** a **learner's dictionary**.

آقای ایرانمهر: درست است. اول، من توصیه می کنم فرهنگ لغت زبان آموز را.

Majid: What is a learner's dictionary?

مجید: فرهنگ لغت زبان آموز چیست؟

Mr. Iranmehr: It is **designed** for **foreign** students. It also helps them learn English better.

آقای ایرانمهر: آن طراحی شده است برای دانشجویان خارجی. آن همچنین کمک می کند به آنها انگلیسی را بهتر یاد بگیرند.

Majid: Is there only one type of it?

مجید: آیا فقط یک نوع از آن وجود دارد؟

Mr. Iranmehr: No, in fact dictionaries have different types, levels, and sizes.

آقای ایرانمهر: خیر، در حقیقت فرهنگ لغت ها انواع، سطوح و اندازه های مختلف دارند.

Majid: What type do you **suggest**?

→ suggestion پیشنهاد

← Make a suggestion پیشنهاد کردن

مجید: چه نوعی را شما پیشنهاد می کنید؟

Mr. Iranmehr: I suppose a **monolingual dictionary** is more suitable for you, because you can find word information in English.

آقای ایرانمهر: من تصور می کنم که یک فرهنگ لغت تک زبانه مناسب تر باشد برای شما، زیرا تو می توانی پیدا کنی اطلاعات لغت را به زبان انگلیسی در آن.

Majid: And what about levels?

مجید: و در مورد سطح آن چطور؟

Mr. Iranmehr: Well, there are usually three levels: **elementary**, **intermediate** and **advanced**. For you as a high school student, an **elementary** one is OK.

آقای ایرانمهر: حُب، معمولاً سه سطح وجود دارند: ابتدایی، متوسط و پیشرفته. برای شما به عنوان یک دانش آموز دبیرستانی، یک فرهنگ لغت ابتدایی مناسب است.

Majid: Do I need a small size one?

مجید: آیا اندازه کوچک فرهنگ لغت را لازم دارم؟

Mr. Iranmehr: Yes, a **pocket** dictionary. You can carry it wherever you go.

آقای ایرانمهر: بله، فرهنگ لغت جیبی. تو می توانی ببری آن را هر کجا که می روی.



Majid: Oh, it's very good. And hmm..., is it expensive?

مجید: آها، خیلی خوبه. و اِمامم... آیا گران است؟

Mr. Iranmehr: No, such dictionaries are not expensive. **By the way**, you can use a **free online dictionary**, too. And also there are some free dictionaries for **PCs** and **apps** for **smart phones**.

آقای ایرانمهر: خیر، چنین لغت نامه هایی گران نیستند. راستی، تو می توانی استفاده کنی از یک فرهنگ لغت آنلاین رایگان نیز. و همچنین چند فرهنگ لغت رایگان برای رایانه های شخصی (پی سی ها) و برنامه های کاربردی (آپ ها) تلفن های هوشمند وجود دارند.

Majid: Thanks, that's a good idea, but I'd like to use a pocket dictionary!

مجید: ممنون، این ایده خوبی است، اما من می خواهم از یک فرهنگ لغت جیبی استفاده کنم.

Answer the following questions orally.

1. What type of dictionary **does** Mr. Iranmehr recommend?
 - ✓ He suggests a monolingual dictionary
2. What **factors** do you **consider** when you want to choose a dictionary?
 - ✓ Its type, level, size and price.
3. What type of dictionary do you often use?
 - ✓ I usually use an online free dictionary.

Factor عامل
consider = regard
کاف کردن - در نظر گرفتن

NEW WORDS & EXPRESSIONS

A. Look, Read and Practice.

Propose خواستگاری کردن

- Try to **avoid** foods that **contain** a lot of fat. *سعی کنید دوری کنید از غذاهایی که دارند چربی زیاد.*
- C is the **symbol** for carbon. *(حرف) سی (انگلیسی) نماد کربن است.*
- I **circled** the dictionary **entry** for the word "purpose". *من دایره کشیدم دور سرواژه "هدف" در فرهنگ لغت.*
- I.R. **stands for** Islamic Republic. *آی آر (نماد مخفف) ایسلامیک ریپابلیک (جمهوری اسلامی) است.*
- Mehran couldn't **figure out** what the teacher was talking about. *مهران نمی توانست بفهمد که معلم درباره ی چه چیزی داشت حرف می زد.*

have

محتوی چیزی بودن

مذلل

بیانگر چیزی بودن

نمونه سوال نهایی:

جمله ناقص زیر را با دانش زبانی خود کامل کنید. (اولین حرف کلمه داده شده است). (خرداد ۱۴۰۴)

1. After about an hour in the gym, your body starts to a ----- protein. *→ رسی ۳*

B. Read and Practice.

combination ترکیب، آمیزش: an arrangement in a particular order

چیدن در یک نظم خاص

- From the letters X and Y, we can get two **combinations**: XY and YX.

از دو حرف X و Y می توانیم بگیریم دو ترکیب: XY و YX

introduction مقدمه: the part at the **beginning** of a book that gives a **general idea** of what it is about

معرفی کردن

آن بخشی از قسمت آغازین یک کتاب که می دهد یک ایده کلی از آنچه آن کتاب هست.

- This book has only a **two-page introduction**. *این کتاب فقط یک مقدمه دو صفحه ای دارد.*

effectively موثر: in a way that is successful and **achieves** what you want

موفقت

effect/effective/affect

به روشی که موفق است و آنچه را می خواهی حاصل می کند

- **If you know** how to study more **effectively**, you'll be able to learn more. *→ اثر*

اگر میخواهی موثر تر درس بخوانی، قادر خواهی بود بیشتر درس بخوانی.

اثر
مال
راه





arrange کردن تنظیم، چیدن: to put things in a neat, attractive, or useful order

قرار دادن چیزها در **نظمی** هوشمندانه، جذاب و مفید

- We'll need to **arrange** the chairs around the table.

ما باید صندلی ها را دور میز بچینیم.

jump into گرفتن ناگهان تصمیم به انجام کاری گرفتن

→ jump into conclusion **کناگان به نتیجه رسیدن** ناگهان تصمیم به انجام کاری گرفتن

- I did not read the introduction and **jumped into** the next part.

مقدمه را نخواندم و فوراً رفتم سراغ بخش بعدی.

SPOTLIGHT ON VOCABULARY:

spelling	هجی	provide with	تامین کردن با	1405 section	بخش	confusing	گیج کننده
pronunciation	تلفظ	tip	پند، نصیحت	issue	مساله، مشكل	single	تکی، تنها
definition	تعریف	identify	شناسایی کردن	abbreviation	مخفف	expand	وسعت بخشیدن
essential	ضروری	meet	برآورده کردن	throughout	سرتاسر	expansion	بسط - گسترش

لغات کلیدی ای که قبل از خواندن این بخش باید بلد باشید: 1405 section - an important subject

1405 section

1405 section

READING COMPREHENSION درک مطلب

How to Use a Dictionary چگونه از یک فرهنگ لغت استفاده کنیم

A good dictionary gives the user information about words such as **spellings**, **pronunciations** and **definitions**. It also gives examples of how to use the words in sentences correctly. **Therefore**, it is **essential** to know how to use a dictionary. In this lesson, we **provide you with some helpful tips** on how to use a dictionary **effectively**.

یک فرهنگ لغت خوب می دهد به کاربرش اطلاعاتی در مورد لغات مانند **هجی ها**، **تلفظ ها** و **تعاریف** را. آن همچنین ارائه می دهد نمونه هایی از چگونگی استفاده به شکل صحیح از کلمات در جملات را. **بنابراین**، **ضروری** است تا بدانید چگونگی استفاده از فرهنگ لغت را. در این درس، ما **تامین می کنیم** شما را با تعدادی **پند سودمند** درباره ی چگونگی استفاده موثر از فرهنگ لغت به صورت **موثر** را.

1. Choose the Right Dictionary. There are many different types of dictionaries such as learner's dictionaries, general dictionaries, picture dictionaries, **etc.** Therefore, first **identify your needs**. Without choosing the right one you cannot **meet your language needs**.

۱. **فرهنگ لغت مناسب را انتخاب کنید:** انواع مختلفی از فرهنگ لغت ها وجود دارند مانند فرهنگ لغت های زبان آموز، فرهنگ لغت های عمومی، فرهنگ لغت های تصویری و ... **بنابراین**، ابتدا **نیازهای خود را شناسایی کنید**. بدون انتخاب یک فرهنگ لغت مناسب شما نمی توانید **نیازهای زبانی خود را برآورده کنید**.

2. Read the Introduction. The best way to learn how to use your dictionary effectively is to read its introduction. This **section** explains **issues** like how entries are arranged, what information is offered in entries and what **abbreviations** and **pronunciation symbols** are used throughout the entries.

۲. **مقدمه را بخوانید:** بهترین راه برای یادگیری نحوه استفاده از فرهنگ لغت به طور موثر خواندن مقدمه آن است. این بخش **مسائلی** مانند چگونه سرواژه ها چیده می شوند، چه اطلاعاتی ارائه می شود در سرواژه ها و چه **مخفف ها** و **نماد های تلفظی** که استفاده می شوند در سرتاسر سرواژه ها.

3. Learn the Abbreviations. Different types of abbreviations are often used in the definitions for a word. This can be **confusing** if you do not know what the abbreviations **stand for**.

۳. مخفف ها را یاد بگیرید: انواع مختلف مخفف ها اغلب استفاده می شوند در تعاریف یک کلمه. این [کار] می تواند گیج کننده باشد اگر ندانید که مخفف ها بیانگر چه چیزی هستند.

4. Learn the Guide to Pronunciation. If you **immediately** jump into using the dictionary without understanding the pronunciation guide, it can be difficult to **figure it out**.

۴. راهنمای تلفظ را بیاموزید: اگر بلافاصله تصمیم بگیرید تا از فرهنگ لغت بدون فهمیدن راهنمای تلفظ آن استفاده کنید، احتمال دارد فهمیدن آن دشوار باشد.

لغات راهنما

5. Read the Guide Words. These are the two words at the top of each page that show the first and last **entries** on the page. These words will help you find the word you are looking for in the **right** letter section.

7 اندر

۵. کلمات راهنما را بخوانید: این ها دو کلمه هستند در بالای هر صفحه که نشان می دهند اولین و آخرین سرواژه های آن صفحه را. این کلمات به شما کمک خواهند کرد تا کلمه مورد نظر خود را در قسمت حروفی مناسب پیدا کنید.

6. Read the Definitions. **Once** you find an entry, you can find the **exact meaning** of the word, its **pronunciation**, **part of speech**, **synonyms**, **antonyms**, and **probably** its **origin**.

ریشه root

۶. تعاریف را بخوانید: هنگامی که یک سرواژه را پیدا کردید، شما می توانید پیدا کنید معنی دقیق آن لغت، تلفظ آن، نوع کلمه (صفت، قید، اسم، فعل و ...)، مترادف ها، متضادها و احتمالاً سرمنشأ آن را.

* سخنرانی speech

7. Look for Collocations. Learning the meaning of a **single word** is not usually enough. **Through** sentence examples, try to learn 'words in combination' to **expand** your vocabulary.

امثالی زبانی 405

۷. به دنبال همنشین ها بگردید: یادگیری معنای یک کلمه تنها معمولاً کافی نیست. از طریق مثال های جمله ای، سعی کنید یاد بگیرید "کلمات را در ترکیب" تا گسترش دهید دایره لغاتتان را.

expansion ← develop

SPOTLIGHT ON VOCABULARY:

لغات کلیدی ای که قبل از خواندن این بخش باید بلد باشید:

highlight	برجسته کردن	nearly	نزدیک به	unknown	ناشناخته	related to	مربوط به
key point	نکته کلیدی	average	میانگین	exact	دقیق	technique	تکنیک
minor details	جزئیات کم اهمیت	compare with	مقایسه کردن با	allow	اجازه دادن	complicated	پیچیده
entire	همه ای، تمام	prefix/suffix	پیشوند پسوند	recognize	شناسایی کردن	work out	فهمیدن

Reading Strategy

Figure out

Highlighting

One way to remember what you have read is to highlight important information. Use these **guidelines** for highlighting a text:

- Highlight the **main ideas**.
- Highlight the **key points** not **minor details** or less important information.
- Highlight **phrases** and parts of sentences **instead of entire** sentences.
- Do not highlight many sentences or too much of the text.

درک مطلب کوتاه: گزینه درست را انتخاب کنید.

2) Good notes can help you remember and review a text you have read. There is no magic formula to taking notes when reading. You have to find out what works best for you. (خرداد ۱۴۰۳)

- a. Taking notes does not follow any fixed formula. .
- b. Taking good notes requires knowing a magic formula. X
- c. To remember things better, take notes in the same way. X
- d. To find what works best for you, remember and review the notes. X

3) You can use a free online dictionary. And also, there are some free dictionaries for PCs and apps for smart phones. (دی ۱۴۰۲)

- a) A free online dictionary is like a smart phone. غ
- b) Free dictionaries may be offered as online, for PCs and apps for smart phones. X
- c) You should pay some money to buy some free apps for smart phones. غ
- d) Free online dictionaries may be bought for PCs, apps and smart phones. غ

دشوار The best way to learn how to use your dictionary effectively is to read its introduction. This section explains issues like how entries are arranged, what information is offered in entries and what abbreviations and pronunciation symbols are used throughout the entries. (خرداد ۱۴۰۲)

4) The introduction section in dictionaries doesn't explain -----.

- a. word arrangement
- b. word information
- c. entry abbreviations
- d. symbol pronunciation

A. Read the following paragraph and highlight the most important information.

Sharks are not all the same. In fact, there are nearly 400 different kinds. Most sharks never attack people. Only a special group of sharks can be dangerous. They kill an average of forty people every year. Let's compare sharks with snakes. Snakes kill about 60,000 people every year. And let's not forget that people kill 25,000,000 sharks every year.

کوسه ها همه مثل هم نیستند. در واقع، نزدیک به ۴۰۰ نوع مختلف کوسه وجود دارند. اکثر کوسه ها هرگز به مردم حمله نمی کنند. فقط یک گروه خاصی از کوسه ها احتمال دارد خطرناک باشند. آنها می کشند به طور متوسط هر سال چهل نفر را. بیا بید مقایسه کنیم کوسه ها را با مارها. مارها می کشند حدود ۶۰،۰۰۰ نفر را هر ساله. و بیا بید فراموش نکنیم که مردم می کشند ۲۵،۰۰۰،۰۰۰ کوسه را هر ساله.

درک مطلب کوتاه: گزینه درست را انتخاب کنید.

Sharks are not all the same. In fact, there are nearly 400 different kinds. Most sharks never attack people. Only a special group of sharks can be dangerous. They kill an average of forty people every year. Let's compare sharks with snakes. Snakes kill about 60,000 people every year. And let's not forget that people kill 25,000,000 sharks every year. (خرداد ۱۴۰۲)

1) We can understand from the above paragraph that -----.

- a. snakes are more dangerous than sharks
- b. all groups of sharks are dangerous غ
- c. sharks are more dangerous than snakes
- d. most dangerous snakes never attack people

سوال استدلالی
 سوالی هست که جواب آن ماهیه صدمت مننیم در متن وجود نداره در متن بایده
 تریه به اولانایت داده شده در متن آن را خودتان نمی گویید
 استاد علی قیومی



Vocabulary Development

One way to **figure out** the meaning of an **unknown** word is to look for its **relationship** with other words in the same family. **Even if** you cannot figure out the **exact** meaning, your understanding can be enough to **allow** you to **read on**. For example, in this sentence:

یک راه برای **فهمیدن** معنای یک کلمه **ناشناخته**، جستجو کردن برای **ارتباط** آن با کلمات دیگر در همان خانواده است. **حتی اگر** شما نتوانید معنی **دقیق** آن را بفهمید، درک شما می تواند به اندازه ای باشد که به شما **اجازه** می دهد **ادامه مطلب را بخوانید**. به عنوان مثال، در این جمله:

“We provide you with some helpful information on how to use a dictionary more **effectively**”.

ما تامین می کنیم شما را با اطلاعات مفیدی در مورد نحوه استفاده از یک فرهنگ لغت به صورت موثرتر.

you can **get an idea** of the meaning of the word effectively by **recognizing** that it is related to the word effect.

شما می توانید **ایده ای** به دست آورید از معنای کلمه “effectively” با تشخیص اینکه آن مربوط است به کلمه “effect”.

In this technique which is also known as **word attack**, looking for word parts can help you read and understand the meaning of **complicated** words. When you recognize **prefixes** and **suffixes** and know what they mean, it will help you **work out** the meaning of many words you read.

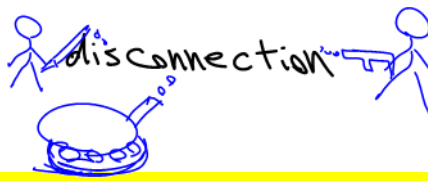
در این تکنیک که شناخته می شود به عنوان **حمله به لغت**، جستجو کردن برای بخش های کلمه می تواند به شما کمک می کند بخوانید و بفهمید معنی کلمات دشوار را. وقتی شما تشخیص می دهید پیشوندها و پسوندها را و می دانید معنی آنها را، آن به شما کمک خواهد کرد تا بفهمید معنی بسیاری از کلماتی که شما می خوانید را.

A. Look at the following sentences. Write down at least one other word you know that is related to the bold word.

- My job has become **increasingly** difficult. *بصیرت افزایی* increase - increasing
- He wasn't very **communicative** and **kept to himself**. *معاشرتی - فونک* communicate - communication
- The police believe the fire was started **accidentally**. *بصیرت آسانی* accident - accidental
- The **pollution** is **endangering** the **crops**. *آلودگی* danger - dangerous - endanger - endangered
- We searched **unsuccessfully** for a map of Kerman. *بدون کسب هیچ موفقیتی* success - succeed - successful - unsuccessful

pollution

success - succeed - successful - unsuccessful
موفق شدن
successfully



B. Attack these words to figure out their meanings. Try to write down other words related to them. For example:

disconnection: disconnect/ connection/ connect

عدم اتصال

پیشوندستی ساز
un- / in- / im- / ir- / il- / dis-

unsystematically: system - systematic - unsystematic - systematically

بدون هیچ نظم در برنامداری

***incomprehensible:** comprehend - comprehension - comprehensible

انسانی 405

درک کردن

درک

قابل درک

unexpectedly: expect - expected - unexpected - unexpectedly

بیمودت غیرمنتظره

انتظار داشتن

expectation → توقع

international: nation - national - nationality - native - internationally

بین المللی

انتظار

unchangeable: change - changeable - exchange

غیر قابل تغییر - ثابت
بیابار

نمونه سوال نهایی:

1. The doctor **cured** a number of patients with the new drugs. (خرداد ۱۴۰۳)

- a. successfully b. successful c. success d. succeed

2. The old man **wasn't** very and kept to himself. (خرداد-۹۸)

- a. communicate b. communication c. communicative d. to communicate

3. He is not very, thus he doesn't feel comfortable to talk to people. (خرداد ۹۹-انسانی)

- a. communicatively b. communicate
c. communication d. communicative

4. His job became ... **increasingly** ... **difficult** because of his illness. (increase) (خرداد ۹۹-انسانی)

5. Scientists believe that hot weather is often **the crops**. (خرداد ۹۹-تجربی)

- a. endanger b. endangering c. endangered d. dangers

6. My job has become **difficult** because of my illness. (شهریور-۹۹)

- a. increasingly b. increase c. increasing d. increases

7. A: Mom, I'm going out with my friends. (خرداد-۱۴۰۴)

B: Why don't you wear your warm jacket? It's spring and the weather is highly

- a. invisible b. comfortable c. valuable d. changeable



✓ برای اینکه بتوانید به سوالاتی مثل نهایی ۱۴۰۳ کامل جواب بدهید و نمره کاملشو بگیرید قبلش به چنتا چیزو باهم دوره کنیم:

مثال

پسوندهای

صفت ساز مهم

-y

ex. rainy, watery, cloudy, sunny, ...

-ful & -less

ex. colorful, powerful, careful, wonderful, successful, harmful, useful, ...

-ing

ex. amusing, boring, interesting, confusing, exciting, surprising, shocking, ...

-ed

ex. amused, bored, interested, confused, excited, surprised, shocked

-able / -ible

ex. suitable, ,

-ive ⇒ active

-al

ex. emotional, central, ...

-ous

ex. dangerous, ...

مثال

پسوندهای

اسم ساز مهم

-ance / -ence

ex. guidance, importance, existence, ...

-tion / -ation

ex. invention, production, invitation, explanation, organization, ...

-ness

ex. happiness, kindness, ...

-ment

ex. excitement, entertainment, measurement, ...

-ity

ex. activity, ability, possibility, ...

-er / -or

ex. researcher, designer, foreigner, inventor, ...

مثال

پسوندهای قید ساز مهم

-ly

ex. slowly, finally, honestly, rapidly, easily, brightly, probably, ...

حالا ببینیم اینایی که گفتیم، مثلاً اسم و صفت و قید هر کدوم کجای جمله میان؟

اسم کجا میاد؟

(۱) قبل از فعل (در نقش فاعلی)

- Comfort and **happiness** **make** you live longer. (happy)

(۲) بعد از فعل متعدی (در نقش مفعول مستقیم)

- Her success **brought** **happiness** to her poor family. (happy)

(۳) بعد از حروف اضافه (در نقش مفعول مستقیم)

- Her eyes shone **with** **happiness**. (happy)

نیل اسم و اسم
ش
حرف اضافه

صفت کجا میاد؟

۱- قبل از اسم (یاد تونه اسم کجاها می اومد؟)

پس:

He had bought a **colorful** dress for his small daughter. (color)

صفت
اسم صفت

۲- بعد از افعال ربطی

افعال ربطی عبارتند از:

1- to be (**am- is- are- was- were- be- been- being**) بودن

2- **get- grow- become- turn**: شدن

3- **look- seem- appear- sound**: به نظر رسیدن

قید کجا میاد؟

۱) بعد از فعل (کنشی (غیر ربطی) متعدی و مفعولش

I tired to **answer** all your questions **honestly**. (honest)

۲) بین فعل کمکی و اصلی (برای تأکید یا تکرار)

Do you **really** **think** you'll be able to pass your driving test? (real)

۳) برای توصیف یک صفت (قبل از آن می آید)

He was **really** **busy**. (real)
صفت

۴) برای توصیف یک قید (قبل از آن می آید)

They were working **really** **hard**. (real)
قید

حالا چنتا از سوالاتی مدل نهایی سالای قبلیو باهم حل کنیم:

تمرین ← حل شود

1. The weather in Rasht is usually **cold** and **rainy**. In autumn.

(rain)

2. He telephoned me as **an** **invitation**. He didn't send me a card.

(invite)

3. My sister always puts some **colorful** **flowers** on her desk in her office.

(color)

4. The manager **has** **recently** **decided** to employ some workers to help us.

(recent)

5. He **was** **shocked**... when he heard the news.

(shock)

6. He **answered** all the questions **honestly**...

(honest)

7. The doctor said that smoking **was** **harmful**... for me.

(harm)

~~harmless~~

8. This map was **useful**... on my holidays.

(use)

9. Clever students always **do** their exercises **correctly**.

(correct)

10. Everyone believes that **the** **invention** **of** telephone is wonderful.

(invent)

11. The moon **shines** **brightly**... in the sky at night.

(bright)

12. The child's skill in reading **is** **wonderful** for his age.

(wonder)

13. She believes she **has** **finally**... **found** true happiness.

(final)

14. The first time that he met his friend was a **sunny**... day.

(sun)

15. A good swimmer can usually **swim** the length of pool **easily**.

(easy)

16. Parents play an important role in their children's **education**.

(educate)

17. He looked around, but the streets were empty, and the sky **was** **cloudy**...

(cloud)

18. He is a **powerful** **person**, so he can help you move the table.

(power)

19. Time **passes** very **slowly**... when a person is bored.

(slow)

20. We **searched**... for a map of Kerman. At last we didn't find it.

(success)

unsuccessfully



SPOTLIGHT ON VOCABULARY:

لغات کلیدی ای که قبل از خواندن این بخش باید بلد باشید:

publish	چاپ کردن	explanation	توضیح	catch train	سوار قطار شدن	borrow	قرض گرفتن
compile	گرد آوری کردن	widely wisely	به میزان زیاد عاقلانه	enjoy	بهره بردن	lend	اگرچه
take from	گرفتن از	treasure	گنج	crowded	شلوغ	although	مرد

A. Read the following text.

در این متن به لغات ترکیبی موصول درجول استند

The first Persian dictionary **which is still published** was compiled more than 900 years ago. Loghat-e Fors was made by **Asadi Tusi** who was a famous poet in the 5th century. **The list of entries has been arranged** according to the final letters of the words. There are example sentences **which were taken from** poetry. The dictionary has synonyms and explanations **that were used by** young poets. This dictionary has been used **widely** by the poets **who** lived after Asadi Tusi. Many words have been added to the first dictionary **which** Asadi compiled. The dictionary **has been published several times** and is a **valuable treasure** of Persian language.

اولین فرهنگ لغت فارسی که هنوز منتشر می شود، تدوین (گردآوری) شد بیش از ۹۰۰ سال پیش. لغت فرس تهیه شد توسط اسدی طوسی که شاعر معروفی بود در قرن پنجم. فهرست سرواژه ها بر اساس حروف پایانی کلمات مرتب شده است. در آن جمله های نمونه ای وجود دارند که از شعر گرفته شده اند. لغت نامه مترادف ها و توضیحاتی دارد که توسط شاعران جوان از آنها استفاده شده است. این فرهنگ لغت مورد استفاده شاعران پس از اسدی طوسی بوده است. لغات زیادی به اولین فرهنگ لغتی که اسدی تدوین کرد اضافه شده است. فرهنگ لغت چندین بار منتشر شده است و یک گنجینه ارزشمند زبان فارسی می باشد.

درک مطلب کوتاه: گزینه درست را انتخاب کنید.

1. A distinguished Iranian poet, named Asadi Tusi, compiled the first Persian dictionary and called it Loghat-e-Fors. He arranged the list of entries according to the final letters of the words. This dictionary has synonyms and explanations that young poets after Asadi Tusi have widely used. They have added many words to the first dictionary, as well.

- a. Loghat-e-Fors has **no** special arrangement of the words. ع
- b. Young poets use synonyms and explanations in Loghat-e-Fors. ع
- c. The poets after Asadi Tusi **didn't know** how to use his dictionary. ع
- d. Loghat-e-Fors **only** contains the words that young poets wrote first. ع

E. Read the following paragraph and fill in the blanks with 'who' or 'which'.

پاراگراف زیر را بخوانید و جاهای خالی را با "who" و "which" پر کنید.

Mr. Sanders is a doctor... **who**..... lives in a city. He works in a village... **which**...is near the city. Each morning he goes to the village and comes back home in the evening. Mr. Sanders usually **catches** the morning **train**... **which**...enters the station at 7:30. The train... **which**...he catches is not very **crowded**. There are some teachers and workers..... **who**..... also work in the village. Mr. Sanders knows some of **them**. **They** sometimes talk about interesting things, like weather and sports. He often reads on the train. He reads books or newspapers.... **which**..... he **borrow**s from the **stand** in the station. **Although** his **travel** to the village **takes** around 45 minutes, he **enjoys** every minute of **it**. He is the type of **guy**..... **who**..... likes **to spend his time wisely**.

دانش را عاقلانه بپسری کند
برای ترم I ۵۳ روز از اعم
۱۴۰۴-۰۵

آقای سندرز یک دکتر است که زندگی می کند در یک شهر. او کار می کند در روستایی که نزدیک شهر است. هر صبح او می رود به روستا و برمی گردد به خانه در عصر. آقای سندرز معمولاً قطار صبحگاهی ای را سوار می شود که می رسد به ایستگاه ساعت ۷:۳۰. قطاری که او سوار می شود زیاد شلوغ نیست. تعدادی معلم و کارگر هستند که آنها هم کار می کنند در روستا. آقای سندرز می شناسد برخی از آنها را. آنها گاهی اوقات صحبت می کنند در مورد چیزهای جالبی، مانند آب و هوا و ورزش. او اغلب مطالعه می کند در قطار. او می خواند کتاب یا روزنامه هایی را که او قرض می گیرد از غرفه (دکه) های (واقع در) ایستگاه. اگر چه سفرش به روستا طول می کشد حدود ۴۵ دقیقه، او بهره می برد از هر دقیقه آن. او از آن نوع مردهاست که دوست دارد وقت خود را عاقلانه بگذراند.

SPOTLIGHT ON VOCABULARY:

لغات کلیدی ای که قبل از خواندن این بخش باید بلد باشید:

ocean	اقیانوس	salt water	آب شور	land	خشکی
lake	دریاچه	fresh water	آب شیرین	planet	سیاره
body	توده، جسم، جرم	surround	محاصره کردن	while whereas	در حالی که - اینها

Oceans and Lakes

Oceans and lakes have much in common, but they are also quite different. Both are bodies of water, but oceans are very large bodies of salt water, while lakes are much smaller bodies of fresh water. Lakes are usually surrounded by land, while oceans are what surround continents. Both have plants and animals living in them. The ocean is home to the largest animals on the planet, whereas lakes support much smaller forms of life.

اقیانوس ها و دریاچه ها وجه اشتراک های زیادی دارند. اما آنها کاملاً متفاوت از یکدیگر هستند. هر دو توده آب هستند، اما اقیانوس ها توده های بسیار بزرگی هستند از آب شور، در حالی که دریاچه ها جرم بسیار کوچکتری از آب شیرین هستند. دریاچه ها معمولاً توسط خشکی احاطه شده اند، در حالی که اقیانوس ها آن چیزی هستند که قاره ها را احاطه کرده اند. هر دو دارای گیاهان و حیواناتی هستند که در آنها زندگی می کنند. اقیانوس است خانه بزرگ ترین حیوانات روی کره زمین است، در حالی که دریاچه ها از اشکال کوچکتر حیات آن پشتیبانی می کنند.

* نکته مهم: دو کلمه while و whereas هر دو مانند but نشان دهنده تضاد هستند و می توانند به جای هم استفاده شوند.

This car is expensive, but that one is cheap.
 This car is expensive, while that one is cheap.
 This car is expensive, whereas that one is cheap.
 تضاد Contrast

درک مطلب کوتاه: گزینه درست را انتخاب کنید.

1. Oceans and lakes have much in common, but they are also quite different. Both are bodies of water, but oceans are very large bodies of salt water, while lakes are much smaller bodies of fresh water. Lakes are usually surrounded by land, while oceans are what surround continents. (خرداد-۱۴۰۴)

- a. lakes surround lands ~~کلاً~~
- b. oceans and lakes are totally different
- c. lakes have salt water
- d. oceans are large bodies of water around continents



stick / stuck / stuck

SPOTLIGHT ON VOCABULARY:

لغات کلیدی ای که قبل از خواندن این بخش باید بلد باشید:

anthill	خانه مورچه	stick to	چسبیدن به	access	دسترسی یافتن	a host of	انبوهی از
throughout	سرتاسر	tiny	ریز	device	دستگاه	suffer from	رنج بردن از
floor	زمین	ancient	باستانی	primarily	در درجه اول	transmit	انتقال دادن

transfer
translate
transform

trans-

Read the following paragraphs. First find the topic sentence, then circle the topic, and underline the controlling idea.

1. Ants are found everywhere in the world. They make their home in buildings, gardens, etc. They live in anthills. Ants are very hardworking insects. Throughout the summers they collect food for the winter season. Whenever they find a sweet on the floor, they stick to the sweet and carry it to their home. Thus, in this way, they clean the floor. Ants are generally red and black in colour. They have two eyes and six legs. They are social insects.

۱. مورچه ها یافت می شوند در همه جای دنیا. آنها می سازند خانه خود را در ساختمان ها، باغ ها و غیره. آنها زندگی می کنند در تپه های مورچه ای. مورچه ها حشرات خیلی سخت کوشی هستند. در طول تابستان آنها جمع آوری می کنند غذا برای فصل زمستان. هر وقت که شیرینی پیدا می کنند روی زمین، آنها می چسبند به شیرینی و می برند آن را به خانه خود. بنابراین، به این ترتیب، آنها تمیز می کنند کف زمین را. مورچه ها عموماً قرمز و مشکی هستند به لحاظ رنگ. آنها دارند دو چشم و شش پا. آنها حشرات اجتماعی هستند.

2. The stars are tiny points of light in the space. On a clear night we can see around 2,000 to 3,000 stars without using a telescope. Stars look tiny in the sky because they are far away from the Earth. In ancient times the sky watchers found patterns of stars in the sky.

۲. ستاره ها نقاط ریز نورانی در فضا هستند. در یک شب صاف ما می توانیم بینیم حدود ۲,۰۰۰ تا ۳,۰۰۰ ستاره را بدون استفاده از تلسکوپ. ستاره ها کوچک به نظر می رسند در آسمان زیرا آنها دور از زمین هستند. در زمان های بسیار قدیم ستاره شناسان یافتند الگوهایی از ستارگان را در آسمان.

3. An online dictionary is one that is available on the Internet or World Wide Web and is accessed through a Web browser using a computer or a mobile device, primarily by typing a term into a search box on the site. Online dictionaries offer immediate, direct access through large databases to a word's spelling and meanings, plus a host of information, including its spellings, pronunciation, and origin, etc.

۳. یک فرهنگ لغت آنلاین (بر خط) فرهنگ لغتی است که در اینترنت یا شبکه گسترده جهانی موجود است و قابل دسترسی است از طریق مرورگر شبکه با استفاده از رایانه یا یک دستگاه قابل حمل (سیار)، در درجه اول (اساساً) با تایپ کردن یک عبارت در کادر جستجو در سایت. فرهنگ لغت های آنلاین ارائه می دهند دسترسی فوری، مستقیم را از طریق پایگاه داده های بزرگ برای املا و معانی یک کلمه، به علاوه انبوهی از اطلاعات را، از جمله هجی کلمات، تلفظ آنها، و منشاء آن لغات، و غیره را.

4. A hearing device is available for some people suffering from hearing loss. This device uses a magnet. Like other aids, it converts sounds into vibrations and transmits them directly to the magnet, and then to the inner ear, producing a clearer sound. The device helps those with a hearing loss caused by infection or other problems in the middle ear.

۴. دستگاه شنوایی در دسترس است برای بعضی افرادی که رنج می برند از نداشتن شنوایی. این دستگاه استفاده می کند از یک آهنربا. مانند سایر وسایل کمکی، آن تبدیل می کند صداها را به ارتعاش و منتقل می کند آنها را مستقیماً به آهنربا، و سپس به گوش داخلی، و تولید می کند صدای واضح تری. دستگاه کمک می کند به افراد دارای ناشنوایی، که ناشنوایی شان ناشی از (سبب شده از) عفونت یا سایر مشکلات در گوش میانی است.

برای پاراگراف داده شده، یک جمله موضوعی (Topic sentence) و یک جمله نتیجه گیری (Concluding sentence) بنویسید.
Technology (8) It has offered important changes in education. For instance, the number of students taking courses online has increased. These courses provide a structured educational experience for both teachers and students. It also allows them to learn a subject effectively. At the same time, it gives them 24-hour access to learning materials anywhere at any time. Therefore, (9).....

متن زیر را بخوانید و به موارد خواسته شده پاسخ دهید. (ماز-۱۴۰۴)

Books are the best teachers. They give us great experiences in life. In fact, people who read a lot of various books don't have to experience everything themselves. They can read about the decisions that other people have made and the result of their actions. In short, by reading books, we can avoid making the mistakes that people before us made.

10. Find the **topic** of the paragraph.
11. Find the **controlling idea** of the paragraph.
12. Find the **concluding sentence** of the paragraph.

با توجه به پاراگراف داده شده، موارد خواسته شده را در پاسخ نامه بنویسید. (ماز-۱۴۰۴)

Nowadays, people are living an unhealthy thier lifestyle in cities for a number of reasons. First, they mostly drive everywhere and do not walk as much as before. Second, they eat unhealthy food. Third, they breathe polluted air most of the time. Some cities have great jungles and rivers. And above all, they have more stress than before.

13. The **supporting sentences** of the above paragraph -----
a. give examples b. tell a story c. give reasons
14. Which of the following is the best **concluding sentence** for the above paragraph?
a. As a result, people need to change the way they eat to live longer.
b. Thus, people need to drive less and eat more frozen food to live longer.
c. So, people need to keep food in their freezers for months to live longer.
15. Which sentence **does not** support the topic sentence?

SPOTLIGHT ON VOCABULARY:

لغات کلیدی‌ای که قبل از خواندن این بخش باید بلد باشید:

invisible	نامرئی	expression	اصطلاح	volume	جلد
think of	تصور کردن	biography	زندگی‌نامه	opposite	متضاد
astronaut	فضانورد	purpose	هدف	list	فهرست کردن

B. Now read the rest.

Have you ever thought of superhuman? What abilities would you like to have if you had superhuman powers? Some may say, "I would like to fly if I had superhuman powers." Others may say, "I would like to be very strong to help people." Some may say, "I would like to be invisible or read people's minds." What about you? Would you like to be able to do these? Think of being an astronaut; where would you like to go?

آیا تا به حال فکر کرده اید به یک ابرانسان؟ توانایی هایی دوست داشتید داشته باشید اگر قدرت های مافوق بشری می داشتید؟ برخی ممکن است بگویند: "دوست داشتم پرواز کنم اگر قدرت های مافوق بشری می داشتم." دیگران ممکن است بگویند: "دوست داشتم بسیار قوی باشم تا کمک کنم به مردم." برخی ممکن است بگویند، "دوست داشتم نامرئی باشم یا بخوانم ذهن مردم را." شما چطور؟ آیا دوست داشتید قادر به انجام این کارها باشید؟ تصور کنید فضانورد می بودید؛ دوست داشتید کجا بروید؟

WORK BOOK

READING COMPREHENSION

تاریخ
Dictionary A dictionary is a book which explains the meanings of words and expressions. You can find words easily because dictionaries put them in alphabetical order. The word 'dictionary' comes from the Latin 'dictio' ('saying').

یک فرهنگ لغت کتابی است که توضیح می دهد معانی کلمات و اصطلاحات را. شما می توانید پیدا کنید کلمات را به راحتی زیرا فرهنگ لغت ها قرار داده اند آنها را به ترتیب حروف الفبا. کلمه "dictionary" می آید از کلمه لاتین "dictio" [به معنی] ("گفتن").

There are several types of dictionaries. Dictionaries which explain words and how they are used; dictionaries which translate words from one language to another; dictionaries of biography which tell about famous people; and technical dictionaries which explain the meanings of technical words.

چندین نوع فرهنگ لغت وجود دارند. فرهنگ لغت هایی که توضیح می دهند کلمات و نحوه استفاده از آنها را؛ فرهنگ لغت هایی که ترجمه می کنند کلمات را از یک زبان به زبان دیگر؛ فرهنگ لغت های زندگی نامه که حرف می زنند در مورد افراد مشهور؛ و فرهنگ لغت های فنی که توضیح می دهند معانی کلمات فنی را.

Dictionaries which explain what words mean give a clear 'definition' of them. A good dictionary also gives more information about words. For instance, it explains how they are pronounced. Usually the International Phonetic Alphabet (IPA) is used for this purpose.

فرهنگ لغت هایی که توضیح می دهند معنی کلمات را، ارائه می کنند "تعریف" واضحی از آنها را. یک فرهنگ لغت خوب همچنین می دهد اطلاعات بیشتری در مورد کلمات. به عنوان مثال، آن توضیح می دهد که چگونه تلفظ می شوند. معمولاً استفاده می شود از الفبای آوایی بین المللی (IPA) برای این منظور.

There are also dictionaries which translate words into other languages. Very often one volume translates both ways; for example, half of the book is from English to Persian and the other half from Persian to English.

همچنین فرهنگ لغت هایی وجود دارند که ترجمه می کنند کلمات را به زبان های دیگر. خیلی وقت ها یک جلد ترجمه می کند هر دو سبک را. به عنوان مثال، نیمی از کتاب از انگلیسی به فارسی است و نیمی دیگر از فارسی به انگلیسی.

When using a dictionary to find out how to say something in another language, one has to be careful to choose the right meaning.

هنگامی که استفاده می کنید از فرهنگ لغت به منظور فهمیدن نحوه گفتن چیزی به زبان دیگر، یک نفر باید دقت کند تا انتخاب کند معنی درست را.

A word like 'right' has several meanings in English, for example, 'correct' and 'the opposite of left'. A word like 'present' may be used as an adjective, meaning 'not absent', as a noun, meaning 'gift' or as a verb, meaning 'give'. Words with different meanings exist in other languages, too. A good dictionary lists all the meanings of words to help people find the meaning that they look for.

کلمه ای مانند "right" در انگلیسی معانی مختلفی دارد، به عنوان مثال، "درست" و "مخالف سمت چپ". کلمه ای مانند "present" ممکن است به عنوان صفت استفاده شود، به معنای "غایب نیست"، به عنوان یک اسم، به معنای "هدیه" یا به عنوان یک فعل به معنای "ارائه دادن". کلمات با معانی متفاوت در زبان ها دیگر نیز وجود دارند. یک فرهنگ لغت خوب فهرست می کند تمام معانی کلمات را به منظور اینکه به افراد کمک کند تا پیدا کنند معنی ای را که به دنبال آن هستند.

A complete dictionary also tells you about the origin of words and the story behind them. For example, the words like 'pajamas', 'bazaar' and 'paradise' entered English from Persian.

یک فرهنگ لغت کامل همچنین می گوید به شما در مورد منشأ کلمات و داستان پشت آنها را. به عنوان مثال، کلماتی مانند "pajamas" (پیژامه)، "bazaar" (بازار) و "paradise" (بهشت) از فارسی وارد انگلیسی شده اند.

درک مطلب کوتاه: گزینه درست را انتخاب کنید.

1. When using a dictionary to find out how to say something in another language, one has to be careful to choose the right meaning. (خرداد ۱۴۰۳)

- a. Each word has only one meaning in different dictionaries.
- b. There are different meanings for a word in a dictionary.
- c. Dictionaries rarely provide the right meaning of words.
- d. We use other languages to understand a dictionary.

جملات زیر را بخوانید و با توجه به مفهوم، بهترین گزینه را انتخاب کنید. (ماز-۱۴۰۴)

2. A complete dictionary also tells you about the origin of words and the story behind them. For example, the words like 'pajamas', 'bazaar' and 'paradise' entered English from Persian." In other words, -----.

- a. a complete dictionary does not provide information about the origin of the words.
- b. words like 'pajamas', 'bazaar', and 'paradise' came from Arabic to English.
- c. a complete dictionary tells you the history of words.
- d. the word 'paradise' does not have an origin.

SPOTLIGHT ON VOCABULARY:

لغات کلیدی ای که قبل از خواندن این بخش باید بلد باشید:

scavenger	لاشه خوار	bite	گاز	commercial	تجاری
wingless	بدون بال	grow	پرورش دادن	scale	مقیاس
reproduce	زاد و ولد کردن	huge	بسیار بزرگ	lack of	کمبود
lie	دراز کشیدن	generate	تولید کردن	drought	خشکسالی

A. Look at the examples below. Find the one which has a correct format of a paragraph.

Ants are found everywhere in the world. They make their home in buildings, gardens, etc. They live in anthills. Ants are very hardworking insects. Throughout the summer, they collect food for the winter season. Whenever they find a sweet lying on the floor they stick to the sweet and carry it to their home. Thus, in this way, they clean the floor. Ants are generally red and black in color. They have two eyes and six legs. They are social insects. They live in groups or colonies. Most ants are scavengers. They collect whatever food they can find. They are usually wingless but they develop wings when they reproduce. Their bites are quite painful.

مورچه ها یافت می شوند در همه جای دنیا. آنها می سازند خانه هایشان را در ساختمان ها، باغ ها و غیره. آنها زندگی می کنند. در تپه مورچه ای ها (خانه مورچه ای). مورچه ها حشرات بسیار سخت کوشی هستند. سرتاسر تابستان، آنها جمع آوری می کنند غذا برای فصل زمستان. هر زمان که آنها پیدا می کنند یک شیرینی که روی زمین افتاده آنها به شیرینی می چسبند و آن را می برند به خانه شان. بنابراین، به این ترتیب، تمیز می کنند کف زمین را. مورچه ها به طور کلی به رنگ قرمز و مشکی هستند. آنها دو چشم و شش پا دارند. آنها حشرات اجتماعی هستند. آنها زندگی می کنند به صورت گروهی یا مستعمره ای. بیشتر مورچه ها لاشه خوار هستند. آنها جمع می کنند هر آنچه غذایی را که پیدا کنند. آنها معمولاً بدون بال هستند اما آنها بال در می آورند وقتی آنها تولید مثل می کنند. گاز (گرفتن) آنها خیلی دردناک است.